



قیمومیت و تمرد فعالیت سیاسی دانشجویان در افغانستان

معرفی

فهرست

سیاست دانشجویی در بیشترین ممالک بعد مهمی از سیاست کشور محسوب گردیده و مطالعه آن برای فهم اصل و چگونگی توسعه احزاب سیاسی در آینده هر کشور مهم و ضروری پنداشته میشود. چون معمولاً نخبه گان، در دوران تحصیل، اولین گامها را در عرصه سیاست میگذارند، از اینرو سیاست دانشجویی مرتبط به شکل نخبه گان میگردد. امروز در افغانستان، سیاست دانشجویی میان دو دسته مسیر خودش را طع میکند: یکی، حمایت و قیمومیت و دیگری، شورش و تمرد که اینک با مطالعه این دو، نظر اجمایی از سیاست آینده افغانستان را میتوان دریافت.

۱. دهه ۴۰ در افغانستان.....۱
۲. بعد از سال ۱۳۸۰ خورشیدی: تجربه ماحول متفاوت.....۴
۳. بعد از سال ۱۳۸۰ خورشیدی: قیمومیت و کار یابی.....۶
۴. بعد از سال ۱۳۸۰: موج تمرد.....۱۰
۵. نتیجه گیری و چگونگی کاربرد.....۱۲

هرچند فعالیت سیاسی دانشجویان در افغانستان از دیر باز محور توجه علمی و منظم نبوده، اما میدانیم که این سیاست در سالهای میان ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ در کشور، تاثیر بسزای روی انکشاف و توسعه احزاب سیاسی داشته و در نتیجه، ورود افغانستان به سیاست جهانی را در اواخر دهه ۶۰ شکل داده است. از اینرو، انجام این مطالعه اهداف چندگانه ی را تعقیب مینماید. یکی: پُر کردن خلای موجود در فهم و آگاهی از سیاست دانشجویی در آنزمان و حال، دوم: استفسار مفهوم و اهمیت تغییرات در سیاست دانشجویی در مقایسه با سیاست دانشجویی فعلی و دهه ها قبل، و بالاخره: کشف و دریافت راهکارهای که حد اقل، سر نخ معلوماتی در مورد چگونگی روند سیاست کشور در آینده افغانستان را به دست ما بدهد.

این پژوهش مبتنی بر حدود ۱۰۰ مصاحبه با محصلین و فعالین سیاسی در شهر های کابل، هرات، مزار شریف، و جلال آباد؛ و همچنان بر اساس مصاحبه های انجام یافته با حدود ۱۲ محصل و فعال سیاسی سالهای میان ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ تهیه گردیده است.

درباره نویسنده
داکتر انتونیو جیوستوزی

داکتر انتونیو جیوستوزی پژوهشگر در مرکز پژوهش وضعیت بحران در دانشگاه اقتصاد و علوم سیاسی لندن (LSE) است. وی نوشته ها، نشریات، و کتابهای متعددی به شمول "جنگ و جنگسالاران در افغانستان" و "رمز گشایی طالبان" که آنرا ویراستاری نموده است، دارد. داکتر جیوستوزی در حال حاضر روی موضوعات حکومتداری به شمول توجه روی اردو، پولیس، استخبارات، و نظام حکومتداری محلی در افغانستان مصروف فعالیت های پژوهشی است.

۱. دهه ۴۰ در افغانستان

ریشه های سیاست امروزی در افغانستان به سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ خورشیدی میرسد - زمانیکه بسیاری از نهضت های سیاسی در افغانستان که در جنگ های داخلی و صحنه سیاست امروز پیش کسوت شده اند، شکل گرفتند. مخصوصاً، این، زمانی بود که با وسعت پوهنتون کابل که در سال ۱۳۲۶ خورشیدی ایجاد گردیده بود، طبقه تحصیل یافته افغانستان نیز از حیث تعداد گسترش یافت. توسعه تحصیلات عالی در کشور، از اواخر سالهای ۱۳۱۹ خورشیدی، یکی از اولویت های دولت افغانستان به شمار میرفت. تحصیلات عالی در افغانستان تزئید قسمی قابل ملاحظه ی را در بودجه تحصیلی به خود جلب کرد، تا اینکه در سال ۱۳۴۸ خورشیدی به بیشتر از ۴۰ فیصد رسید که این فیصدی با در نظر داشت تمام معیار ها^۱ (به جدول ۱ مراجعه نمایند) فیصدی متحیر کننده ی به نظر میرسد؛ هرچند، در حقیقت، سران حکومت شاهی پلانی برای تقسیم

^۱ برای مقایسه با کشور های منطقه، به "سیاست آموزش و پرورش" اثر انتونیو جیوستوزی (کابل: شبکه تحلیلگران افغانستان) جدول شماره ۷، مراجعه نمائید.

صورت احزاب سیاسی عرض وجود کردند. در پوهنتون ها، و مخصوصاً در پوهنځی شرعیات، متون اسلامی به زبان عربی نیز آغاز به دوران کردند. یکی از اولین تنظیم های که در آن زمان شکل گرفتند، سازمان دموکراتیک زنان - سازمان چپ گرا با ترکیب قوی از محصلین، بود. حزب دموکراتیک خلق اولین حزبی بود که به میان آمد و رویهمرفته تشکل ها و احزاب دیگری نیز بعداً پا به عرصه وجود گذاشتند. محصلین در مبارزات انتخاباتی هردو انتخابات پارلمانی در سال ۱۳۳۹ به گونه فعال سهم داشتند.^۲ در این جریان، پیشکسوتان متعدد دیگری نیز مثل دکتر نجیب الله، انجنیر گل الدین حکمتیار، احمد شاه مسعود، و امثال اینها در این عرصه فعالانه تبارز نمودند. بعضی ها مثل ببرک کارمل مدتی قبل از اینها از فعالین سیاسی دانشجویی بوده و در سال ۱۳۳۹ به حیث رئیس اتحادیه محصلین پوهنتون کابل انتخاب گردیده بود.^۴

حزاب سیاسی جدید تشکیل در آن روز ها که بیشتر برای جذب روشنفکران تلاش میکردند، فرق فاحشی با احزاب قبلی داشتند. ریشه های تشکل این احزاب جدید تشکیل به محصلین پوهنتون (و دانش آموزان لیسسه ها) میرسید و اعضای این احزاب را طبقه تحصیل یافته تشکیل میداد. حزب دموکراتیک خلق، بعد از تأسیس آن در سال ۱۳۴۴، در انتخابات اتحادیه محصلین خوب درخشید، اما بعداً میان اعضاء آن رقابت آغاز یافت و حزب دموکراتیک خلق به دو دسته عمده و فکسیون ها و دسته های متعدد کوچک دیگر تقسیم شد که این امر باعث تقلیل نیرو و تقسیم رای میان آنها گردید. ماویست های سازمان جوانان مترقی (شعله جاوید) نیز قبل از اینکه به دسته های رقیب تقسیم گردند،^۵ از شهرت خوب بر خردار بودند. اسلامگرایان "جوانان مسلمان" گروه بعدی بود که روی صحنه ظاهر شد. تقسیم داخلی این گروه به دسته های مثل حزب اسلامی، جمعیت اسلامی و اتحاد اسلامی در جریان سالهای ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مدت ها بعد از انتخابات محصلین به میان آمد که تأثیری روی نتایج آنها در انتخابات محصلین نداشت. گروه های دیگری که میان محصلین فعال بودند، گروه ملی گرای افغان ملت و بعضی گروه های کوچک میانه رو مثل گروه صدر اعظم اسبق، میوندوال، و گروه "صدای ارمنان" ذبیح الله عصمتی بودند. بر اساس مصاحبه های پژوهشگران ما، در اواخر دهه ۴۰ ترکیب شورای اتحادیه محصلین مشتمل از چهار ماویست، سه پرچمی، یک خلقی، دو اسلامگرا، و یک عضو گروه کوچک میانه رو بود. ماویست ها در شهر به طور چشمگیری در حال توسعه بوده و برای مدتی، بیشترین توجه را به خود جلب نموده بودند. در اوایل دهه ۵۰ آنها قادر شدند تا ۲۵ عضو را برای شورای انتخابی اتحادیه محصلین بفرستند.^۶ در این مقطع، زمانیکه پوهنتون کابل توسعه یافته و دانش آموزان بیشتری را از جوانان محافظه کار از ولایات، جذب کرد؛ گروه های اسلامگرا نیز تقویت یافتند. جوانان مسلمان ۸ عضو انتخابی داشتند که مساوی با تعداد کرسی های اعضای پرچم بود. گروه خلق نیز

قدرت با این تحصیل یافته گانی که در حال شکل گیری بودند، را نداشتند. روشنفکران ناراضی که خواستار تأثیرگذاری و نفوذ پذیری بیشتری بوده و مبتنی بر این خواست، زود در مقابل حکومت شاهی قرار گرفتند، باعث شدند تا تجربه "دهه دموکراسی" (سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۱) به تندی از مسیر متوقع به انحراف کشیده شود. تندی طبقه روشنفکر در دهه ۴۰ خورشیدی را میتوان علل بوجود آمدن بحران های موجود از سال ۱۳۵۲ خورشیدی به اینسو، در دولت افغانستان دانست.

قبلاً، در سال ۱۳۲۹ خورشیدی، کلپ ملی با از هم پاشیدن در همان نشست های ابتدایی بنا بر اختلاف نظرها میان گروه های مخالف که از میان اعضای آن، گروه های مثل ویش زلمیان به میان آمد، قصد تشکیل اتحادیه محصلین را نمود. این اتحادیه به سرعت راه خود را در میان جوانان و مردم باز نمود. چون این امر باعث نگرانی شدید حکومت گردید، مقامات آن زمان در پی آن شدند تا فعالیت اتحادیه را محدود سازند اما محصلین فعالیت های خود را میان مردم عام گسترش دادند و حتی گاهگاهی به ولایات نیز سفر میکردند. اما بعد از چند ماه، فعالیت این اتحادیه توسط حکومت تحریم گردید.^۷

جدول ۱: فیصدی تخصیص بودجه برای تحصیلات عالی

پلان شده ۱۳۸۹	۱۳۴۸	۱۳۴۱ ۱۳۴۲	۱۳۳۸ ۱۳۳۹	
۱۰.۷	۴۳.۶	۲۸.۴	۲۳.۷	تحصیلات عالی
۸۹.۳	۵۶.۴	۷۱.۶	۷۶.۳	دیگر بخش ها

منبع: اداره احصائیه مرکزی

جدول ۲: احصائیه ثبت نام در موسسات تحصیلات عالی بر اساس سال

۱۶۹۴	۱۳۳۹
۷۸۳۲	۱۳۴۹
۱۸۰۰۰	۱۳۵۹
۲۴۳۳۳	۱۳۶۹
۳۱۲۰۳	۱۳۸۲
۳۹۵۱۴	۱۳۸۳
۳۹۲۵۴	۱۳۸۴
۴۱۸۹۲	۱۳۸۵

منبع: اداره احصائیه مرکزی

نسل جدیدی که در دهه ۴۰ خورشیدی شامل پوهنتون گردید نیز به عرصه سیاست کشانیده شد. مضامین چپ گرا که از ایران و هندوستان به گونه ی قاچاق وارد کشور میگرددید در بعضی از لیسسه های کابل بطور مخفیانه تکثیر میشدند. مباحث سیاسی در پوهنتون ها رویهمرفته فضای بازتری را اشغال میکردند تا اینکه آهسته آهسته این گروه های شامل بحث ها، به

^۲ مصاحبه با سریا پرلیکا، کابل، حوت ۱۳۸۸

^۴ محصول ارتباطات شخصی با توماس روتینگ، جدی ۱۳۸۸

^۵ برای ماویستها و دگرگونی آنان، به اثر آماده نشر ن ابراهیمی روی ماویستهای افغان، مراجعه کنید.

^۶ چون تعداد کرسی ها در شورای انتخابی اتحادیه محصلین بطور قابل ملاحظه ی تزیید یافته بود، ازاینرو نمیشود این تعداد اعضاء را با شورای انتخابی قبل به مقایسه گرفت.

^۷ توماس روتینگ، (برلین: همبولدت-یونیورسیتیت زو برلین ۱۳۶۴)

دختران محصل در پوهنتون کاهش یافت و در جریان دهه ۴۰ با شمولیت محصلین محافظه کار که از ولایات آمده بودند، پوهنتون دگرگونی جدی را تجربه کرد. تنها در جریان سالهای ۱۹۸۰ بود که سهم دختران در پوهنتون پیوسته تزیید یافت و این هم بخاطری بود که اردو آغاز به سربازگیری کرد و شمولیت در پوهنتون تنها به شهرها محدود میشد. تا اینکه در سال ۱۳۶۹ دختران ۴۰ فیصد محصلین را تشکیل میدادند. حتی بعد از پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱ دختران هنوز هم فیصدی بیشتری را (که در سال ۱۳۷۴ به ۳۰ فیصد میرسید) نسبت به دوران جنگ با اتحاد شوروی سابق تشکیل دادند. با آمدن طالبان، زمانیکه درهای مکاتب و پوهنتون ها بسته شدند، تمام اینها تغییر کردند. حتی رژیم آزادیخواه بعد از طالبان نیز سهم کمتری از دختران را نسبت به سال ۱۳۷۴ در پوهنتون دارد. در سال ۱۳۸۴ این فیصدی به اوج عروج خود، ۲۲،۴ فیصد رسید و در دو سال بعدی دوباره سیر نزولی را پیمود. (به جدول شماره ۳ مراجعه نمائید). در جریان سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، هرچند آنچنانیکه در مورد مردان صدق میکند نبود، اما موجودیت فعالین متعدد سیاسی از طبقه انان نیز بنظر میرسید. اساساً فعالیت های سیاسی میان دختران کابل و بعضی از شهرهای دیگر معمول بود، و میان دخترانیکه از ولایات آمده بودند، اینگونه فعالیت ها کم و یا هیچ دیده نمیشد. دخترانیکه از ولایات آمده بودند، به سبب گرایش های سنتی خانواده ها در ولایات که فرستادن دختران به دور از خانه برای تحصیل در آن مجاز شمرده نمیشد، در تعداد نیز محدود بودند. دختران شامل پوهنتون بیشتر از خانواده های ثروتمند بودند و علاقمندی چندانی برای جذب در گروه های بنیادگرا نداشتند. در حقیقت بیشترین نیروی زنان فعال در عرصه سیاست به یک جناح حزب دموکراتیک خلق، پرچم، تمرکز یافته بود. اولین سازمان زنان فعال سیاسی در افغانستان، سازمان دموکراتیک زنان، از همین حلقه پدیدار شد.^{۱۰}

جدول ۳: شمولیت در پوهنتون بر اساس جنسیت (فیصدی)

سال	مرد	زن
۱۳۳۰	۹۱،۲	۸،۸
۱۳۳۵	۹۵،۰	۵،۰
۱۳۳۹	۹۰،۷	۹،۳
۱۳۴۴	۸۰،۱	۱۹،۹
۱۳۴۹	۸۵،۹	۱۴،۱
۱۳۵۴	۹۰،۸	۹،۲
۱۳۵۶	۸۴،۷	۱۵،۳
۴۲،۴	۵۷،۶	۱۳۶۹
۳۰،۹	۶۹،۱	۱۳۷۴
۱۹،۹	۸۰،۱	۱۳۸۳
۲۱،۰	۷۹،۰	۱۳۸۳
۲۲،۴	۷۷،۶	۱۳۸۴
۱۸،۵	۸۱،۵	۱۳۸۵
۱۷،۵	۸۲،۵	۱۳۸۶

^{۱۰} مصاحبه با ثریا پرلیکا، کابل، سنبله ۱۳۸۸

از تزیید تعداد جوانان از ولایات فایده گرفته و توانست ۷ کرسی را بدست آورد. محصلین ولایات شرقی در انتخاب چهار عضو برای افغان ملت سهم گرفتند. گروه اسلام گرا با بدست آوردن اکثریت کرسی ها در انتخابات اخیر اتحادیه محصلین رهبری اتحادیه را بدست گرفت، تا اینکه داود خان به قدرت رسید و آنها از صحنه دور شدند.^۷

رویهمرفته، همفکری و همنظری گروه محصلین به طور گسترده ی نوسان پیدا کرد و این نوسان در میزان بلند تغییر و تبدیل در نتایج انتخابات محصلین واضحاً به نظر میرسید. گفته میشود عوامل عمدتاً تأثیر گذار روی این روند، اسلوب ارمانی و مرامی، مثل طرفداری از اتحاد جماهیر شوروی، ماویست ها، اسلام گرایان، ملی گراها، و غیره بوده است؛ هرچند، در این زمان، نشانه های اندکی از قیمومیت بدست است که در نیرو گیری نقش ایفا می کرده؛ در حقیقت، تفوق جویی مطلق تنظیم های ضد نظام یکی از نشانه‌دهنده گان واضح عدم قیمومیت در آنزمان بوده میتواند.^۸

توضیح مهمی در این مورد، حد اثناء نهضت های سیاسی جدید میان طبقه تحصیل یافته، بر چگونگی تفکیک نسلی یا تفاوت گرایش های سیاسی و اجتماعی با گروه های سیاسی قبلی است. از جمله فعالین سیاسی، محصلین زیادی بودند که با شامل شدن با گروه های افراطی متفاوت در مغایرت با طرز افکار خانواده هایشان قرار میگرفتند که این امر بیشتر با فعالین خلقی و بیشتر از آن با فعالین ماویستی که معمولاً از خانواده های محافظه کار و پیرو سنت قدیم می آمدند، صدق میکرد.

هرچند بعضی از فعالین اسلام گرا وابسته به خانواده های روشنفکر و آزادی خواه سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ بودند، اما رفتار ضد روحانی روشنگری بسیاری از این فعالین (مثل ویش زلمیان و دیگر گروه ها)، آنها را در مغایرت با پدرانشان قرار داد که این ترمذ به شدت ادامه یافت.^۹ بعضی از رهبران احزاب غیر جهادی که در سالهای ۱۳۴۰ شکل گرفتند این خلاء را پُر کردند زیرا آنها مسیر مسلکی خود شانرا در سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۰ به حیث اصلاحطلبان آزادی خواه طئی نموده و رویهمرفته به افراطی گرایی پیوستند که از آنجمله میتوان از بیرک کارمل (از میان بنیانگذاران حزب دموکراتیک خلق و پرچم) و عبدالرحمن محمودی که مفکوره ماویستی را در افغانستان معرفی کرد، نام برد. همچنان، بسیاری از فعالان جوانان مسلمان با خانواده های شان قطعاً ننگسته بودند: به گونه ی، میشد قصد جوانان مسلمان را به شکلی تعریف کرد که آنها خواستار مدرنیته ساختن طرز کار یا گرایش های دینی محافظه کارانه که در آنزمان در جامعه افغانستان حکمفرما بود، بودند. به جز از دختران سران حکومتی، دختران افغان رویهمرفته در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ به تحصیلات عالی دست یافتند. در جریان دهه ۳۰ محصلین انان یک کتله کوچکی را تشکیل میدادند؛ در حقیقت در جریان دهه ۳۰ سهم

^۷ مصاحبه با محصلینی که در آنزمان در کابل فعالین سیاسی بودند.

^۸ مبتنی بر مصاحبه ها با اعضای نهضت های محصلین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰، در کابل، لندن و دیگر شهر ها، ۱۳۸۵ ۱۳۸۸.

^۹ برای تفصیل بیشتر در مورد این دوره، به "Islamists, Leftists and a Void in the Center" احزاب سیاسی افغانستان و این احزاب از کجا بوجود آمدند (۱۲۸۰ الی ۱۲۸۵) اثر تی روتینگ (کونراد ادینور ستیفینگ Konrad Adenauer Stiftung ۲۰۰۷) مراجعه نمائید.

۲. بعد از سال ۱۳۸۰ خورشیدی: تجربه ماحول متفاوت

حامیانی که خود شان چندان ثابت و محکم از آن دفاع نمی کردند، نیز فضای فعالیت های سیاسی را دلننگ و کم ارزش ساخت. استادانی که در دهه ۱۳۵۰ تحصیل نموده اند توانایی محصلین امروزی در مورد امکان تغییر و توسعه به شکل گروهی راه، به دیده تردید مینگرند و میگویند که محصلین امروزی بیشتر صاحب مفکوره های عملی گرایانه یا واقعت گرای و لذت جویانه اند؛ و اقلیت ارمان گرا ها هم توسط نهضت های اسلامی جلب توجه گردیده اند. بالاخره، جای شک نیست که محصلین، امروز هم از خاطر ضروریات اولیه ی معیشت بیشتر از آنانیکه در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ درس میخواندند تحت فشار قرار دارند. آنها اکثراً گرسنه به خوابگاه میروند و این امر ممکن بعضی را وا داشته است تا فعالیت های سیاسی را اولویت ندهند.^{۱۵}

به هر حال، فعالیت های سیاسی میان محصلین، مخصوصاً در دانشگاه های دولتی، هرچند امکانات صحبت از یک نهضت بزرگ نباشد، موجود است؛ اما در پوهنتون های شخصی، نتوانستیم فعالین سیاسی راه، به سبب کم بودن آنها، به تعداد متوقعه دریابیم.

یکمقدار فعالیت ها از نارضایتی ها در نحوه و نظام تحصیلات عالی در افغانستان نیز نشأت گرفته است - محصلینی که تجربه تحصیلات عالی در خارج از افغانستان، مثل ایران، را دارند از کیفیت تحصیلات عالی در افغانستان راضی نیستند؛ اما آنانیکه از ولایات افغانستان بدون تجربه تحصیلات عالی در خارج از کشور آمده اند، از کیفیت تحصیلات عالی در افغانستان استقبال مینمایند.

لیلیه های پوهنتون مثل همیشه، محلی بوده که فعالیت های سیاسی نهضت های دانشجویی در آن به وجود آمده و پرورش میافته اند، و این دامن هنوز هم همچنین پهن است.^{۱۶} اطلاقی را که زمانی حکمتیار در خوابگاه در اختیار داشت جایست که همیشه برای بدست آوردن آن کوشش شده و حتی اطاق های بالا و پائین آن نیز از قیمت و ارزش برخوردار بوده اند.^{۱۷} شماری از تناقضات و دگر اندیشی های ارمانی و مرامی هنوز هم موضوعات داغ مباحث سیاسی را تشکیل داده و این ناهمگونی ها بعضی اوقات تنش ها را در فضای دانشگاه به اوج میرساند. موضوع سکولاریزم^{۱۸} و اسلام در سطح قانونمندی دولت یکی از این متناقضات مرامی است؛ در حقیقت، محصلین پوهنخوی های شرعیات از بیشترین فعالین سیاسی گذارش شده

بقیای فعالین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ میخواستند محصلین بعد از سال ۱۳۸۰ را بنابر دلایل مختلف، بیشتر از پیش محافظه کار نشان بدهند. تسلط اسلامگرایان و یا افراطی گرایان بر نظام تحصیلی از سالهای ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰، باوجودیکه اکثر محصلین گرایش سیاسی به جانب اسلامگرایان و یا طالبان نداشتند، اما این کنترول، تاثیر فرهنگی بزرگی را روی طرز فکر نسل جدید گذاشت. حتی آنها که در خارج از افغانستان، مخصوصاً در پاکستان، درس خواندند بیشتر گرایشهای محافظه کاری نسبت به والدین شان که از طبقه میانه رو بودند، داشتند. حتی بعضی اوقات والدین به خاطر رفتار آزادیخواهی شان از جانب فرزندان شان مورد انتقاد قرار میگرفتند.^{۱۱} این امر ظاهراً میان سکولر های افرادی در هرات به مشاهده رسیده که از جانب اسلامگرایان حاکم در پوهنتون مورد تهدید قرار میگرفتند^{۱۲} و این گرایش های دینی و مذهبی با طرز کارهای منسوب به آن رویهمرفته تقویت می یابند. بحث انکشاف و توسعه در پوهنتون ننگرهار (که بعداً در مورد آن صحبت خواهد شد) به این امر اشاره داشته است. نه تنها در هرات و ننگرهار، این گرایش در جاهای دیگری نیز ناشنیده نیست. استادان پوهنتون پولیتخنیک کابل، محصلین را در یک گرد همایی در ماه رمضان ۱۳۸۸ در مسجد این دانشگاه دعوت کرده اند که اینگونه دعوت برای چنین گرد همایی ها در پوهنتون در سال ۱۳۵۰ یک عمل تعجب برانگیز محسوب میگردد.^{۱۳}

فرق دیگر با دهه ۴۰ این است که فعالیت های سیاسی بعد از ۱۳۸۰ توسط مقامهای علمی پوهنتون، ممنوع اعلام گردید. حال دیگر جای برای فعالیت سیاسی در پوهنتون نیست. هرچند این تحریم ها به گونه ی کامل عملی نبوده و هنوز هم مباحث و مجالس سیاسی در دانشگاه ها برگزار میشوند. با ممنوعیت فعالیت های سیاسی در پوهنتون، فرصت برای توسعه فعالیت های احزاب سیاسی و انعطاف توجه محصلین به فعالیت های سیاسی کاهش یافته است، هرچند، هنوز میشود گفت که این ممانعت تاثیر چشمگیری روی توسعه فعالیت های سیاسی و انعطاف پذیری توجه محصلین نداشته است. بعضی اوقات استادان پوهنتون، محصلینی را که به حیث فعالین سیاسی شناسایی میشوند، تنبیه میکنند. بطور مثال، یکی از محصلینی که به حیث فعال سیاسی از گروه افغان ملت در پوهنتون هرات شناسایی شده بود، با کاهش نمرات در نتایج امتحانات اش تنبیه گردید. نسل قبلی در افغانستان به این باور است که با وارد آمدن نظام مصرف گرا^{۱۴} در افغانستان بعد از سال ۱۳۸۰ و توريد خلاء اخلاقی از خارج در نظام و عملی سازی آن توسط

^{۱۵} مصاحبه با استادان دانشگاه تعلیم و تربیه کابل، میزان ۱۳۸۸

^{۱۶} ملاحظات توماس روتینگ در سال ۱۳۶۰/۶۱ (ارتباطات شخصی، جدی ۱۳۸۸).

^{۱۷} مصاحبه با حفیظ منصور، کابل، سنبله ۱۳۸۹، مصاحبه با فعال قبلی حزب اسلامی، کابل، سنبله ۱۳۸۹

^{۱۸} سکولاریسم یا سکولاریزم "به انگلیسی Secularism" به صورت کلی به مفهوم ممانعت از دخالت دین در تمامی امور عمومی جامعه است. در حکومت معنی سکولاریزم، عدم دخالت باورهای مذهبی در امر حکومت و برتری دادن اصول حقوق بشر بر سایر ارزش های متصور هر گروه و دسته ای است. (مترجم)

^{۱۱} مصاحبه با فعال قبلی حقوق زنان، کابل، سنبله ۱۳۸۸، مصاحبه با یکی از استادان در پوهنتون کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۱۲} مصاحبه با یکی از استادان پوهنتون هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۱۳} مصاحبه با عضو سابق حزب اسلامی، کابل، سنبله ۱۳۸۸.

^{۱۴} کنزیومریست Consumerist مصرف گرا، مصرف گرایی عبارت است از وضعیتی که افراد جامعه تنها با خرید مکرر و جمع آوری داراییهای مادی احساس رضایت و آرامش بکنند، بگونه ای که صرف احتیاج داشتن به وسیله ای، تنها دلیل خرید آن وسیله به شمار نمی رود بلکه ممکن است فرد به وسیله خاصی نیاز نداشته باشد ولی به خریدن آن وسیله احساس نیاز کند. (مترجم)

محصلین تاجک بیشتر رک و راست و واضح سخن میگفتند، اما محور صحبت های آنها تعصب های زبانی بود (موضوعات قومی به حیث عوامل تشکل های سیاسی میان محصلین تاجک را بعداً مورد بحث قرار داده ایم).

فرق دیگر با سالهای میان ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ اینستکه بعد از سال ۱۳۸۰ خورشیدی فعالیت های گروه های زنان در پوهنتونها بیشتر مهار گردید؛ حضور گسترده ی گروه های اسلامگرا تهدید پنداشته میشد و جلب و جذب آنها مشکل به نظر میرسید. حضور تعداد چشمگیری از محصلین اناث برای اولین بار در تظاهرات ماه حمل ۱۳۸۸ روی قانون احوال شخصیه اهل تشیع که پنداشته میشد با تعصبات قوی جنسیتی روی آن کار صورت گرفته بود. تا قبل از آن محصلین اناث بسیار تاثیر پذیر و غیر فعال بودند. هرچند اگر دختران بخواهند بیشتر از پیش هم در فعالیت های دیگر اجتماعی سهیم شوند، اما هنوز هم مشارکت دختران در سیاست منفی پنداشته میشود. دختران معمولاً در صحبت های رادیویی اشتراک میکنند اما هیچگاهی در مباحثات سیاسی تلویزیونی روی پرده دیده نمیشوند. فعالین سیاسی اناث مثل مهناز پیروز یکی از بنیانگذاران مجله کاوش، بیشتر دوست دارند روی فعالیت های فرهنگی و معاشرتی تمرکز کنند و نقش رهبری در این فعالیت ها را داشته باشند. حتی در اینچنین موارد هم، این فعالیتها توسط احزاب سیاسی حمایت میشوند و این فعالین اناث، دختران اعضای آنحزب میباشند. به گونه ی مثال، میشود از انجمن میلاد نور در کابل نام برد که با شیخ محسنی و حزب حرکت اسلامی وابسته گی دارد.^{۲۴}

تعداد کمی از دختران که به گونه ی واضح مشغول فعالیت های سیاسی اند، مهاجرین و یا آنانی اند که از ایران برگشته اند.^{۲۵} بطور عموم، محصلین اناثی که شامل فعالیت های سیاسی میشوند بیشتر بر اثر حمایت و ترغیب والدین آنها است که مثالی از این را میشود با یکی از اعضای حزب آزادیخواهان دریافت.^{۲۶}

اند.^{۱۹} در این مقطع، بحث روی سکولاریزم و اسلام، نخستین علایم نشانه های فرقه گرایی دینی را نیز قابل توجه و تبصره میسازد. اوج تنش ها روی تجلیل عاشورا احساسات مذهبی محصلین، مخصوصاً سنی ها، را بر انگیخت و رفته رفته تا جائیکه پذیرش قانون جدید شعیبه ها باعث انزجار بعضی ها گردید. تنش های فرقه یی رویهمرفته با حساسیت های قومی مخلوط میشوند که مثالی از این، همخوانی مذهب شعیبه با قوم هزاره است. تضاد های قومی در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ به تناسب حال بسیار اندک بود. اکنون، محصلین در لیلیه ها بیشتر به تشکیل فرقه های قومی و فعالیت در آن چهارچوب گرایش دارند و بعضی اوقات حتی در این موارد نشستها و جلساتی نیز تدویر می یابند.^{۲۰} قوم گرایی در حقیقت یکی از موضوعات معدود سیاسی است که میتواند باعث بسط قابل ملاحظه ی تشکل فرقه ها و گروه ها در پوهنتون ها گردد.^{۲۱} بسیاری از محصلین از قوم و ملیت های مختلف که بیشتر آنها هزاره و تاجک بودند موجودیت تنش های فرقه یی در پوهنتون را تأیید کرده اند. در شهر مزار شریف، مثل کابل، استعمال کلمه فارسی دری "دانشگاه" به جای کلمه پشتو "پوهنتون" نیز تا حدی جنجال برانگیز شد که این مناقشات، یک کشته به جا گذاشت. ریاست امنیت ملی فوراً وارد عمل شده و محصلین را از پیامد های اینچنین فعالیت های شان هشدار داد. در حقیقت، ریاست امنیت ملی که مدیریتی مخصوص محصلین در دانشگاه و لیلیه ها دارد باعث ایجاد ترس در محصلین گردیده و ازینرو شعار های سیاسی آنها مهار گردید. موجودیت گروه های وابسته به تشکل های سیاسی نظامی نیز باعث تهدید و ارباب گردید. (به صفحه ۱۱، به عنوان: "بعد از سال ۱۳۸۰، موج ترمذ" مراجعه نمائید)^{۲۲}

بیشترین درک و حس قومی و نژادی، احتمالاً نزد محصلین هزاره است، اما این امر در مجموع صدق نمیکند چون جوانان تحصیل یافته هزاره مشخصاً بر ضد رهبران سنتی مثل ملاها و بزرگان اند. این جوانان، این رهبران را مرتجع و فرصت طلب میدانند. هرچند گرایش های مذهبی و احساسات قومگرایی لزوماً از هم مجزا نمیشوند؛ اما مذهب و مرام های یونیورسلیستیک یا اصل عمومیت یا کُلّیت گرایی گرایش های قومگرایی را به سبب خواسته های بلند آنان برای جذب گسترده تر، به جهت میانه روی سوق داده است. اینکه هزاره ها به گونه ی مجزا شمرده میشوند، تنها به علل وابستگی قومی آنها، بلکه فرق مذهبی آنان نیز ممکن شناخت مشخصی به آنها بدهد؛ هرچند، تبعیض و پیشداوری ها در مقابل قوم هزاره در بعضی از پوهنخُی ها توسط خود محصلین هزاره گذارش شده است. تزئید چشمگیری در تعداد محصلین هزاره باعث ایجاد خشم گردیده است.^{۲۳} محصلین پشتون معمولاً نمیخواستند روی مسایل قومی و نژادی نظر بدهند و یا با اشاره بیشتر به "مشکلات" نظریات مبهم میدادند.

^{۱۹} مصاحبه با پروفیسری از پوهنتون تعلیم و تربیه، کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۲۰} مصاحبه با محصل پشتون باشنده لغمان، پوهنتون هرات (پوهنخُی حقوق و علوم سیاسی)، میزان ۱۳۸۸.

^{۲۱} مصاحبه با استادان پوهنتون تعلیم و تربیه، کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۲۲} مصاحبه با استادان پوهنتون تعلیم و تربیه، کابل، میزان ۱۳۸۸. در سالهای ۱۳۶۰ افراد خاد (خدمات امنیت دولتی) در هر طبقه حضور داشتند و از محصلین پوهنتون فرق نمیشدند (ارتباطات شخصی با توماس روتینگ، جدی ۱۳۸۸).

^{۲۳} مصاحبه ها با محصلین هزاره در پوهنتون کابل، سنبله تا عقرب ۱۳۸۸.

^{۲۴} مصاحبه با ثریا پرلیکا، کابل، سنبله ۱۳۸۸؛ مصاحبه با استادان پوهنتون تعلیم و تربیه، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصلین تاجک در پوهنتون هرات (دانشکده حقوق و علوم سیاسی) میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل هزاره در پولیتخنیک کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۲۵} مصاحبه با یکی از محصلین هزاره در پولیتخنیک کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۲۶} مصاحبه با یک محصل تاجک از کابل، پوهنتون کابل، سنبله ۱۳۸۸.

۳. بعد از سال ۱۳۸۰ خورشیدی: قیمومیت و کاریابی

دو ستم بیناد گذاشته شد به ارتباط خود با جنبش ملی اعتراف کرده و خود را یک نهضت فرهنگی و اجتماعی میخواند. عضویت آن در کابل نسبتاً کم است. این ارگان تعداد اعضای خود در پوهنتون کابل را به علت کمی محصلین از یک حدود یکصد نفر بیان میکند اما در مزار شریف و در هرات این تعداد را به مراتب بیشتر از این میخواند. این ارگان نشریه ی را نیز در کابل تحت عنوان یشلر جوانان به منظور تقویت فرهنگ از یک به نشر میسرانند. این ارگان به اعضای نادار خود وسایل اعاشه و اباطه تهیه نموده و دارای پنج مهمانخانه در شهرهای مختلف افغانستان است که حد اقل دو مهمانخانه ی آن در کابل واقع اند. این ارگان حمایت مالی حدود ۳۵۰۰ افغانی در ماه را نیز به اعضای متوسط الحال خود تهیه کرده و هزینه بورس های تحصیلی در خارج را نیز توزیع مینماید که معمولاً این بورسیه ها در کشور ترکیه است (گفته میشود حدود ۱۰۰ بورسیه تحصیلی هر سال برای اعضای این ارگان داده میشود). تدویر دوره های آموزشی کمپیوتر، انگلیسی و مضامین ساینسی برای جوانان نیز یکی از برنامه های این ارگان است.^{۳۰} جنبش جوانان افغانستان از یک ها را از تمام افغانستان جذب مینماید. تقریباً تمام محصلین از یک در پوهنتون کابل از ولایات آمده اند و تنها تعداد اندکی از آنها باشند پایتخت هستند. عضویت جنبش جوانان افغانستان میان آنها، مخصوصاً میان جوانان از یک از فاریاب که بزرگترین گروه محصلین از یک را تشکیل میدهند، بیشترین است. از جمله ۴۵ محصل ثبت شده از فاریاب در پوهنتون کابل در سال ۱۳۸۸، ۱۵ نفر آن عضویت این ارگان را داشتند.^{۳۱} هرچند در اصول، این ارگان عضویت تمام اقوام را میپذیرد، اما تمام اعضای را که ما شناسایی نمودیم از یک بودند و محور صحبت های آنها روی حقوق و فرهنگ از یک ها میچرخید.^{۳۲} قسمیکه یکی از اعضای آن واضحاً گفت: "حمایت از مردم از یک در اولویت قرار دارد."

محصلین تاجک تقریباً در وسط، چند پارچگی هزاره ها و یکپارچگی از یک ها، قرار دارند. بیشتر محصلین تاجک به شمول ولایات که در اقلیت قرار دارند، شامل حزب جمعیت اسلامی و تنظیم های جوانان و محصلین آن هستند.^{۳۳} حزب جمعیت مدعی است که حدود ۱۰۰ محصل در رده ی مزار شریف و حدود یک هزار محصل عضو در سمت شمال افغانستان؛ و همچنان ۵۰ عضو در پوهنتون هرات و ۳۰۰ عضو در دانشکده های کابل دارد.^{۳۴} به

به نظر میرسد بعد از سال ۱۳۸۰ خورشیدی، سیاست دانشجویی بر مبنای رابطه حزب حمایتی به جلو گام مینهد. تا حدی که محصلین بدون انتظار امتیاز از حزب متذکره خواستار اخذ عضویت در آن میگرددند. محصلین به گونه ی صریح و ساده بیان میدارند که آنها عضویت در این تشکل ها را برای پیشرفت شغلی خود در آینده، انتخاب میکنند. سیاست دانشجویی از نظر تنظیمی خودش را به سه دسته تقسیم میکند: احزاب، انجمن ها، و شورا های محصلین.

احزاب

پذیرش عضویت از محصلین دانشگاه ها در احزاب بطور گسترده ی بر اساس وابسته گی های قومی و سمتی متغیر است. در حقیقت، محدود احزاب سیاسی اند که به وضاحت بگویند مسایل قومی و سمتی را در جلب و جذب اعضای شان کنار گذاشته اند. استثناء در این مورد، احزاب سیاسی هزاره اند که بطور بالقوه، تنها آنانی اند که واضحاً تشکیلات خودشانرا به اعضای هزاره و اهل تشیع (که بستگی به حزب مشخص دارد) محدود کرده اند. جدیت نخستین هزاره ها در ساختارهای شعبیه یی ضد طالبانی بعد از سال ۱۳۸۰ به سردی گرائید؛ رهبران سابق بیان داشته اند که با عیان شدن اشتباهات و بدرفتاری های شان، آنان مورد انتقادات شدیدی قرار گرفته اند. بنظر میرسد احزاب جهادی^{۳۵} مشتاق جذب جوانان تحصیل یافته اند؛ همینکه علاقه محصلین از این فعالیت ها کم رنگ شد، آنها فوراً با پیشکش امتیازات مثل حمایت از محصلین، تهیه خوابگاه های رایگان به آنها، و پرداخت مدد معاش به فعالین (که حدود ۵۰۰۰ افغانی در ماه میشود) توجه آنها را تا حدی جلب نمودند که علاقمندی فراوانی را نزد محصلین هزاره برای جذب شان در تنظیم های سیاسی پدیدار ساخت. واضح است که حمایت سیاسی بدون قیمومیت که یقیناً تنها عامل برای تقویت حزب نیست، تا دیر باز باقی نماند. تنها بزرگترین و مهمترین تنظیم ها مثل دو بخش حزب وحدت (شاخه ی خلیلی و شاخه ی محقق) و دو بال اصلی حزب حرکت اسلامی (شاخه کریمی و شاخه مرحوم کاظمی) دارای منابع کافی برای حمایت حامیان شان اند. احزابی که از منابع کافی برای حمایت برخوردار نیستند تقریباً در دانشگاه ها حضور ندارند.^{۳۸}

برخلاف وضعیت میان هزاره ها، رقابت بسیار اندکی برای تاثیر گذاری روی محصلین از یک در دانشگاه ها به نظر میرسد. هیچ گروه دیگری از از یک ها دیده نمیشود که در مقابل نفوذ جنبش ملی اسلامی به رهبری جنرال دو ستم قد علم نماید.^{۳۹} جنبش جوانان افغانستان که بگونه آشکارا توسط

^{۳۵} در این نشریه، از احزاب جهادی منظور از آنانی است که در سالهای میان ۱۳۷۱ تا ۱۳۸۰ درگیر جنگ های داخلی بوده اند.

^{۳۸} برای بحثی روی این احزاب و تفاوتها میان آنها به اثر روتینگ، اسلامگرا ها، چپگرا ها و یک خلاء در میان؛ و اثر نعمت الله ابراهیمی، پراگندگی سرمایه سیاسی میان هزاره های افغانستان: ۱۳۸۰-۱۳۸۸ (لندن: کرایسس سستیس ریسرچ سنتر، ۱۳۸۸).

^{۳۹} به اثر توماس روتینگ، اسلامگرا ها، چپگرا ها و یک خلاء در میان، و اثر انتونویو جیوسوزی، فرمانروایی های افترا (نیویارک: مطبعه پوهنتون کولمبیا، ۱۳۸۸).

^{۳۰} مصاحبه با یکی از محصلین از یک باشند بدخشان در پوهنتون کابل، سنبله ۱۳۸۸؛ مصاحبه با محصل از یک از فاریاب، موسسه تحصیلات عالی مولانا (دانشکده حقوق)، مزار شریف، سنبله ۱۳۸۸.

^{۳۱} مصاحبه با یکی از محصلین از یک از فاریاب، پوهنتون بلخ (دانشکده حقوق)، سنبله ۱۳۸۸.

^{۳۲} مصاحبه با یکی از محصلین از فاریاب، موسسه تحصیلات عالی مولانا، مزار شریف (دانشکده حقوق و علوم سیاسی)، سنبله ۱۳۸۸.

^{۳۳} نشانه های از قطعاتی که از گروه جمعیت اسلامی متلاشی شده باشد را میان گروه های دیگر به شمول قطعات شورای نظار (افغانستان نوین و نهضت ملی) نیافتیم.

^{۳۴} مصاحبه با یکی از محصلین تاجک از ارزگان، موسسه تحصیلات عالی مولانا، مزار شریف (دانشکده حقوق و علوم سیاسی) سنبله ۱۳۸۸؛ مصاحبه با یکی از محصلین تاجک از شهر هرات، دانشگاه هرات، میزان ۱۳۸۸.

جسته است. اما جلب و جذب این گروه بیشتر با قیومیت و حمایت آغاز میشود تا کدام موضوع مرامی یا خیزش سیاسی.^{۳۶} مجزا از گروه های فعال مخفی که در بخش بعدی توضیح داده شده اند، فعالترین تنظیم اسلامی قابل اتکاء میان پشتون ها شامل شاخه ی قانونی حزب اسلامی است، هرچند بنظر میرسد تعداد اعضای آن از محصلین دانشگاه معدود است و فعالیت های حمایتی آن در جلال آباد بیشتر تمرکز یافته است. وسعت چنین حمایت را میشود با عکس العمل محصلینی اندازه گرفت که در مقابل عمل اخراج ۱۰ محصل از دانشگاه که متهم به وابستگی با شاخه ی غیر قانونی حزب اسلامی شده بودند، در اطراف مسجد دست به مظاهرة زدند و یکتعداد کثیری از محصلین از حضور در امتحانات خودداری نمودند که باعث شد رهبری پوهنتون محصلان اخراج شده را دوباره به دانشگاه برگرداند.^{۳۷}

مبتنی بر پژوهش ما، تنظیم های چپی معدودی میان پشتون ها حضور داشتند. غیر از تنظیم های که از تمام طبقات در کشور جلب و جذب داشتند، گروهی که به پشتون ها بیشتر امتیاز میداد، حزب د سولی غورخنگ به رهبری شهناز تنپی بود که در ولایت هرات در جریان مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری بسیار فعال بنظر میرسید.^{۳۸} هرچند، زمانیکه گروه تنپی به مبارزات انتخاباتی آغاز کرد، مردم در مسجد آبی به گونه ی اعتراضی گرد هم آمدند و با درج امضاء های متعددی پای یک کاغذ خواستار توقیف شهناز تنپی گردیدند.^{۳۹}

باوجودیکه تنظیم های جهادی تفوق و برتری قومی و سمتی را در پذیرش عضو در احزاب شان اولویت میدهند، اما با آنهم، در یکتعداد احزاب مشخص، تا حدودی جلب و جذب ها از قوم و سمت های مختلف صورت میگیرد. چنانچه تعدادی از پشتون ها در صفوف حزب جمعیت در هرات،^{۴۰} و تعدادی از محصلین تاجک در صف حزب اسلامی و حزب افغان ملت دیده شده اند،^{۴۱} که حتی یکی از این اعضاء اخیراً در معاشرت جدی با خواستهای خانواده اش، شامل این حزب گردیده بود. احزاب غیر جهادی^{۴۲} بیشتر متمایل به تشکل احزاب مشتمل از تمام اقوام و اقشار اجتماع اند، هرچند در این مورد اضافه گویی نشود. حزب کنگره ملی حزب غیر جهادی است که تقریباً عضویت آن منحصر به تاجک هاست. این حزب مخصوصاً محصلین

نظر میرسد که انجمن محصلین و جوانان جمعیت از لحاظ جلب و جذب محصلین کار بیشتر و بهتری میکند. این انجمن مدعی است تنها در هرات ۲۱۰۰ عضو دارد در حالیکه تنها بخشی از این تعداد از محصلین پوهنتون است. تمرکز روی بخش جوانان، از استراتژی سنجیده شده جمعیت است چون به باور آنها جوانان با این پندار که نمیخواهند مسئول مشکلات متعدد کشور شان شوند، علاقمند نیستند شامل احزاب سیاسی شوند.^{۴۳}

جمعیت نیز برای فعالین خود وسایل اعاشه و اباطه تهیه کرده و به اعضای نیازمند خود معاش میپردازد که بعضی اوقات این درآمد از فروش نشریات آنان بدست میآید. وظیفه عمده فعالین جمعیت را کمپاین در جریان مبارزات انتخاباتی و تدویر جلسات هفته وار یا پانزده روزه روی چگونگی بهبود و انکشاف فعالیت های حزب تشکیل میدهد. هر ماه یا دو ماه یکبار فعالین این حزب از سراسر کشور در جلسه ملی این حزب اشتراک میکنند. حزب فعالین خود را تشویق و ترغیب میکند تا در انتخابات محلی یا ملی خودشان را نامزد کرده و به رقابت بپردازند. آنها پالیسی نیروگیری پیشگیر یا قبل از نیاز داشته و فعالین خودشان را ترغیب میکنند تا اعضای بیشتری جلب و جذب کنند. جمعیت از اعضای خود حق العضویت نمیگیرد.^{۴۴}

از مصاحبه های ما چنین دریافتیم که محصلین پشتون در عرصه سیاست مثل هزاره ها به فرقه ها منقسم اند، اما سطح اشتراک در فعالیت های سیاسی میان آنها، بجز در ننگرهار، کمرنگ است؛ این امر ممکن به سبب رفتاری بیشتر شان در فعالیت های دینی و نامتناسب به این حقیقت که بیشتر محصلین پشتون در نهضت های سیاسی مخفی جلب و جذب میشوند، باشد (به شورا های محصلین، صفحه ۱۰ و بعد از سال ۱۳۸۰: موج ترمذ، صفحه ۱۰ مراجعه کنید). حزب افغان ملت از فعالترین تنظیم های ثبت شده قانونی در افغانستان است که میان محصلین پشتون فعالیت دارد.^{۴۵} موجودیت این حزب در شهر جلال آباد بسیار چشمگیر است، ولی حضور قوی شاخه قانونی حزب اسلامی در این شهر نیز قابل ملاحظه است. حزب افغان ملت در کابل، مزار شریف و هرات تعداد کمی از فعالین را با خود دارد، بگونه ی مثال، در پوهنتون هرات ۱۵ عضو دارد هرچند، هنوز، این حزب قادر است جمعیت وسیعی از محصلین محافظه کار و مذهبی پشتون را روی مسایل قومی به پا خیزاند. حزب افغان ملت مانند سایر احزاب، وسایل اعاشه و اباطه و الطفات و مساعدت مثل ثبت نام در دانشگاه های بهتر و غیره را برای اعضای خود فراهم میسازد.^{۴۶} از قول محصلین گذارش شده است که یکی از گروه های سیکولار دیگر بنام "د سولی کاروان" به رهبری حاجی عبدالظاهر قدیر در دانشگاه ننگرهار بسیار فعال است. به قول بعضی ها، این گروه ممکن یکی از فعالترین گروه های سیکولار (حد اقل ظاهراً غیر مذهبی) در پوهنتون ننگرهار باشد که حتی بر حزب افغان ملت پیشی

^{۳۵} مصاحبه با یکی از محصلین تاجک از ولایت پنجشیر، پوهنتون کابل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۱۳۸۸.

^{۳۶} مصاحبه با یکی از محصلین تاجک از مزار شریف، پوهنتون بلخ، سنبله ۱۳۸۸؛ مصاحبه با یکی از محصلین تاجک در دهادی، دفتر حزب جمعیت در مزار شریف، سنبله ۱۳۸۸.

^{۳۷} در این حزب، به اثر روتینگ: اسلامگرا ها، چپگرا ها و یک خلاء در میان مراجعه کنید.

^{۳۸} منبع ملل متحد، کابل، ۱۳۸۸؛ مصاحبه با فعالین آزادگان، کابل، میزان ۱۳۸۸؛ مصاحبه با یکی از محصلین تاجک از پوهنتون هرات، شهر هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۳۹} مصاحبه با یکی از محصلین پشتون در پوهنتون جلال آباد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، قوس ۱۳۸۸؛ مصاحبه با یکی از محصلین پشتون باشنده قندهار در پوهنتون ننگرهار، دانشکده تعلیم و تربیه، عقرب ۱۳۸۸؛ مصاحبه با یکی از محصلین پشتون از ولایت لغمان، پوهنتون ننگرهار (دانشکده حقوق)؛ مصاحبه با یکی از محصلین پشتون از کاپیسا، دانشگاه ننگرهار، دانشکده شرعیاتو حزب متذکره از ۱۹ عضو، ۹ را برای شورای ولایتی ننگرهار در سال ۱۳۸۸ انتخاب کرد.

^{۴۰} مصاحبه با یکی از محصلین پشتون از بغلان در پوهنتون ننگرهار، دانشکده زراعت، عقرب ۱۳۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لغمان در پوهنتون ننگرهار دانشکده شرعیات، قوس ۱۳۸۸.

^{۴۱} مصاحبه با محصل پشتون از لغمان در پوهنتون هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۱۳۸۸.

^{۴۲} مصاحبه با یک مقام رسمی انستیتوت ازادپخواه ملی (ان دی آی)، هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۴۳} مصاحبه با محصل پشتون از شهر هرات، پوهنتون هرات، دانشکده شرعیات، میزان ۱۳۸۸.

^{۴۴} مصاحبه با محصل پشتون از پوهنتون هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۴۵} در این نشریه، از گروه های غیر جهادی منظور از گروه های است که با جنگجویان مسلح ارتباطی نداشته اند.

میروند.^{۵۱} بعضی از چنین اعضاء واضح و بسیار ساده میگفتند که آنها در نظریات احزاب سهیم نمیشوند و محض اینکه تحصیلات خودشان را به اتمام رساندن عضویت خویش را در حزب رد میکنند.^{۵۲} والاترین فعالین سیاسی معمولاً جوانان نامجو و جاه طلب، با سابقه ساده و معتدل اجتماعی اند که در تلاش بدست آوردن مقام سیاسی پا به این عرصه میگذارند (حمایت اقتصادی دلیل مشترک برای آنان است که با سابقه معتدل خانواده گی به حزبی مثل جمعیت رو میا ورنند).^{۵۳} یکی از محصلین اظهار داشت: "در انتخابات شورای ملی دیدم تمامی آنانیکه آراء فراوان بدست آورده بودند اعضای احزاب سیاسی بودند. نامزدان بیطرف و یا محلی رای زیادی بدست نیاوردند. از همانروز دانستم که داشتن عضویت احزاب سیاسی، راه کسب مقام سیاسی و یا بدست آوردن کرسی در شورای ملی است."^{۵۴} از اینرو حزب جمعیت قادر به این هم شد که از خانواده های با سابقه قوی سیکولار جلب و جذب داشته باشد؛ یکی از این محصلین گفت که پدرش در دهه ۱۳۵۰ عضو حزب سوسیال دموکراتیک بوده است.^{۵۵} فعالین معدود از احزاب جهادی، دلیل پیوستن شان به این احزاب را مفکوره های عقیدتی یا مرامی توصیف کرده اند؛ و در عوض از سابقه خانواده گی شان و دریافت جایگاه متوقعه شان در اجتماع بوسیله حمایت این احزاب بیشتر صحبت کرده اند.^{۵۶} فعالینی که از پدر، کاکا و یا ماما هایشان در این احزاب پیروی میکنند گرایش بیشتری به پیروی از مفکوره ها و نظریاتی دارند که از جانب رهبری حزب القاء میشود، تا نظریات خصوصی خود آنها؛ و این امر گاهی جلو نظریات خود آنها در مقابل احزاب رقیب را نیز تحت پوشش قرار میدهد. بعضی از آنها، باوجودیکه زیاد علاقمند اند تا به نقش پدرانشان در یک حزب مشخص در طول جهاد و جنگ های داخلی اشاراتی داشته باشند اما احساس وابسته گی عمیق به آن حزب نمی کنند.^{۵۷}

اگر بزرگترین و پولدار ترین احزاب بیشتر محصلین را از نادارترین طبقات اجتماع جلب میکنند، در کوچکترین، و محدودترین احزاب از لحاظ منابع، نیز یک فعال سیاسی با آرزو ها و توقعات شخصی خودش با نظریات رهبری حزب همگام میشود. راه یافتن به انتخابات ولایتی و یا ملی، و تاثیرپذیری اجتماعی و سیاسی آنها موردی است که پیوسته از زبان آنها شنیده میشود، اما تقریباً هیچگاهی از مبنای و مبادی و اساسات سیاست از آنها شنیده نشده است.^{۵۸} قابل تذکر است زمانیکه احزاب غیر جهادی با حمایت روشنفکران سیکولار توانستند علاقمندی محصلین را برای مدتی جلب نمایند، انتظار میرفت بازیگران سیاسی جدید الورد نیز رشد سریع داشته و قادر شوند تا حامیان خودشان را از حمایت مالی خود بهره مند بسازند؛ و چون اینطور

نواحی شمال شرقی افغانستان را جلب و جذب مینماید و از حمایت کتله ی کوچکی در هرات و کابل نیز برخوردار است. این حزب دوره های آموزشی را برای محصلینی که اعضای آن نباشند نیز برگزار میکند و از آنطریق به تبلیغات خود ادامه میدهد و محصلین را ترغیب به عضویت در این حزب مینماید. این حزب نیز وسایل اعاشه و اباطه به محصلین نادارتری که حد اقل دو سال عضویت حزب را داشته اند، فراهم میسازد. باوجود تعداد کم اعضای آن، به نظر میرسد حزب کنگره میان تعداد بیشتری از محصلین از عزت و احترام برخوردار است که گویا علت آن جذب و گرایش رهبر این حزب، لطیف پدram، است.^{۶۶} در بدخشان و تخارحزب آزاده گان در عین حوزه فعالیت میکنند.^{۶۷} حزب آزاده گان در حال حاضر در پوهنتون کابل با اعضای معدود و هواخواهان حدود ۱۰۰ تا ۲۰۰ نفر فعال است. این حزب با موجودیت خودش در مرکز مباحث روی موضوعات قومی و نژادی، عملاً به حیث گرداننده بسیج سازی قومی نقش ایفا میکند. با درک اینکه این حزب، همتای تاجک حزب افغان ملت است.^{۶۸} با احزاب غیر جهادی، مختلط به اثبات رسیده است که، بعلاوه عدم داشتن منابع مالی، کافی، مورد ضرورت، مختلط بودن احزاب مسیر نفوذ سیاسی آنها در دانشگاه را دشوار و بطی ساخته است. به گونه ی مثال، حزب متحد ملی، به رهبری، نورالحق، علومی، با وجودیکه احتمالاً منظم ترین حزب از بقایای حزب دموکراتیک خلق افغانستان است، نتوانسته از ارتباطات انفرادی پا فراتر بگذارد.^{۶۹} حزب آزادیخواهان یکی دیگر از احزابی است که در محوطه پوهنتون علایم موجودیت خودش را نشان داده است. جالب اینست که با وجود کوچکی آن به مقیاس دیگر احزاب، این حزب نیز به اعضای خود وسایل اعاشه و اباطه تهیه میکند اما به فعالین خود معاش نمیدهد. آنها با ایجاد مراکز آموزشی که هزینه های آموزشی را خود مرکز از طرف حزب میپردازد جوانان را جلب میکنند.^{۷۰}

بطور مختصر، نقطه مشترک میان تمامی گروه های قومی، مزیت مصلحت گرایی در انتخاب محصلین است. تنظیم های جهادی، غیر از جلب فرزندان بعضی از اعضای قبلی، محصلینی را از خانواده های نادار و یا متوسط در ولایات که ارتباط قبلی با آنها نداشته اند اما در سدد دریافت وسیله ی برای ترقی و فراز روی اند که بیشتر نیازمندی به تقبل هزینه های تحصیلات عالی است را نیز جلب میکنند. بسیاری از اینگونه محصلین دارای گذشته های اقتصادی ناخوش اند؛ و این امر اشاره به این دارد که موجودیت حمایت مالی یک عامل مهم و عمده در جلب محصلین در احزاب به شمار

^{۶۶} مصاحبه با محصل تاجک از شمال بدخشان، دانشگاه هرات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل تاجک از کابل، دفتر کنگره ملی، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل تاجک از کندز، پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، سنبله ۸۸؛ مصاحبه با محصل تاجک از ساحه خواجه عمری غزنی، دفتر کنگره ملی، سنبله ۸۸؛ ارتباط با محصلین لیلیه مزار شریف، میزان ۱۳۸۸.

^{۶۷} بدخشی در سال ۱۳۴۰ از HDKk به استدلال اینکه منازعات قومی به شکل یک مشکل بالای مشکل طبقات تفوق میابد، جدا

^{۶۸} مصاحبه با یکی از فعالین سیاسی قبلی که فعلاً استاد دانشگاه کابل است، سنبله ۱۳۸۸؛ مصاحبه با یکی از فعالین آزاده گان، کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۶۹} مصاحبه با رهبر شاخه جوانان حزب متحد ملی، کابل، سنبله ۱۳۸۸.

^{۷۰} مصاحبه با محصل هزاره، دفتر آزادیخواهان، هرات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل تاجک اناث از کابل، دانشگاه کابل، سنبله ۸۸؛ مصحبه با محصل تاجک از غوریان، پوهنتون هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۵۱} مصاحبه با محصل تاجک از بلخ، پوهنتون بلخ، سنبله ۱۳۸۸.

^{۵۲} مصاحبه با محصلی از موسسه تحصیلات عالی مولانا، مزار شریف، دانشکده ژورنالیزم، سنبله ۱۳۸۸.

^{۵۳} مصاحبه با محصل تاجک از مزار شریف، دانشگاه بلخ، سنبله ۱۳۸۸.

^{۵۴} مصاحبه با محصل تاجک از کابل، پوهنتون کابل، سنبله ۱۳۸۸.

^{۵۵} مصاحبه با محصل تاجک از دهسبز کابل، پوهنتون هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۵۶} مصاحبه با محصل تاجک از شهر هرات، پوهنتون هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۵۷} مصاحبه با محصل موسسه تحصیلات عالی مولانا، مزار شریف، سنبله ۱۳۸۸.

^{۵۸} مصاحبه با محصل تاجک از غوریان، پوهنتون هرات، میزان ۱۳۸۸.

مراه‌های سیاسی بنیانگذاران آن استفاده می‌شوند؛ و گفته‌های مکرر رهبران این انجمن‌ها در مورد راهیابی به انتخابات آینده می‌تواند مشهود این امر باشد.^{۶۵} یکی از بنیانگذاران مرکز فرهنگی اتحاد در مزار شریف گفت: "ما می‌خواهیم بواسطه این انجمن‌ها شهرت کسب کنیم، و مخصوصاً من، می‌خواهم شبکه اجتماعی خوب تشکیل دهم و در آینده وارد سیاست شوم. من فکر می‌کنم انجمن‌های فرهنگی به سبب اینکه میان اجتماع و مردم خود حضور داشته و مردم آنها را خوب می‌شناسند، نسبت به احزاب سیاسی از اعتبار بیشتری برخوردار اند."^{۶۶}

در بعضی قضایا، علت اتکاء به انجمن‌های فرهنگی اینست که راه‌های دیگر برای پیشرفت‌های سیاسی باز نیستند؛ به گونه‌ی مثال، به نظر میرسد بسیاری از فرزندان اعضای احزاب چپی مثل حزب دموکراتیک خلق افغانستان مشارکت شانرا با انجمن‌های غیر حزبی می‌پسندند تا احزاب منشعب حزب دموکراتیک خلق افغانستان.^{۶۷}

یکتعداد انجمن‌های کوچک و مستقل برای ابقای شان به احزاب دارای مقام و ثبات به حیث منبع مالی شان رو می‌آوردند. این رویکرد در مورد انجمن دانشجویان افغانستان، گروهی به رهبری نجیب‌الله پژمان که در سال ۱۳۸۱ تاسیس گردید، صدق می‌کند. مؤسس این انجمن به سید منصور نادری، رهبر اسماعیلیه و مؤسس حزب سیاسی جبهه روشنفکران افغانستان روی آورد. نادری به امید اینکه انجمن بعداً به حزب وی ملحق گردد، اعلام کمک به انجمن را نمود اما بعد از ۹ ماه، زمانیکه محصلین خواستند هنوز هم استقلالیت خودشان را حفظ کنند، انجمن حمایت حزب را از دست داد. در نتیجه، انجمن مجبور شد دفترش را ببندد.^{۶۸} بعضی از انجمن‌ها با جلب حمایت مالی همیشه‌گی احزاب جهادی، توانسته‌اند موفقیت بیشتری داشته باشند؛ اما باید برای بدست آوردن این موفقیت باید استقلالیت خودشان را از دست میدادند.^{۶۹} در سال ۱۳۸۷، جمعیت اسلامی به حمایت انجمن جوانان مصلح پرداخت که مدعی است حدود ۳۵۰ عضو در پوهنتون هرات دارد و برای ابقای خودش به حزب جمعیت به حیث منبع مالی رو آورد.^{۷۰} همچنان، یکی از انجمن‌های دیگر محصلین نیز در بغلان برای تقویه قیمومیت و حمایت محلی وکلای بغلان در پارلمان کار می‌کنند. این انجمن برای محصلین کتاب و محل بود و باش تهیه کرده و دوره‌های آموزشی برای آنها تدویر مینماید. یکتعداد از تاجرین نیز در حمایت مالی این انجمن که دارای دفاتر در کابل و بغلان است سهیم می‌شوند. این انجمن یک بخش سیاسی دارد که قبلاً نامزدانی را برای انتخابات شورای ولایتی بغلان معرفی کرده، اما نا موفق بوده است.^{۷۱} گرداننده گان کم تجربه انجمن‌های محصلین

نشد، علاقمندی عضویت در احزاب جدید به سرعت کاهش یافت. چنانچه این موضوع در مورد نهضت مدنی افغانستان صدق می‌کند. اکرم گیزی، رهبر این نهضت همفکران زیادی با خود دارد اما به علت نداشتن وجوه مورد ضرورت نتوانسته این همفکران را بسیج و همگام بسازد.^{۶۹} همینگونه مثالهای دیگری نیز از اشخاص مشهور مثل احمد بهزاد، نماینده مردم هرات در شورای ملی، وجود دارد که به دلیل عدم دسترسی به منابع کافی نتوانسته روی شهرت خود میان محصلین سرمایه‌گذاری کند.^{۶۰} به گونه‌ی مثال اما با اندکی تفاوت، میشود از رمضان بشردوست نام برد که از شهرت سیاسی زیادی به حیث یک رهبر برخوردار است، اما نکوشیده است حامیان خود را منسجم ساخته و یا حزبی تشکیل دهد.

انجمن‌ها

بعضی از محصلین به اصطلاح سیاسی شده با ابراز نگرانی و شکایت گفته‌اند که رهبران کهنه کار بیشتر متمایل اند تا حضور حامیان محصل خودشان را که می‌پندارند کنترل آنها دیگر برایشان مشکل باشد، نادیده گرفته و محصلین جوان و تازه را به گونه‌ی استثمار و جهت بهره‌برداری از آنها برای منافع خودشان جلب و جذب کنند. اما همینکه آنها دانستند تهدیدی متوجه شان است، آنها را ترک می‌کنند.^{۶۱} ضعف توانایی تنظیم‌های سیاسی در برقراری علاقمندی و تقاضای محصلین، و همچنان سطح بهره‌برداری سیاسی و عدم توانایی در بسیج‌سازی محصلین، و هم تحریم‌های وارده بالای احزاب سیاسی؛ باعث تشکیل انجمن‌های نه‌چندان آشکار سیاسی گردید که بیشتر ادعای نمایندگی از محصلین یک ولسوالی یا ولایت خاص را مینمایند.^{۶۲} بعضی از این انجمن‌ها در ساحات متعددی به شمول شهرهای بزرگ دانشگاهی مثل هرات و کابل، و هم در مناطقی که محصلین آن انجمن باشند آنجا اند، دفاتر خودشانرا فعال نموده‌اند. بعضی از انجمن‌ها، به شکل یک اتحادیه و یا شورای محصلین، به نفع تقاضای محصلین تبلیغ هم می‌کنند اما این نماینده‌گی آنها به تنها از یک بخش یا گروهی از محصلین از یک ولسوالی یا ولایت محدود میشود.^{۶۳} این انجمن‌ها معمولاً نشریاتی ظاهراً با اهداف فرهنگی دارند اما اکثر مسایل سیاسی نیز شامل محتوای آن می‌باشد. بیشترین این انجمن‌ها اساساً تک قومی بوده و یا گرایش بیشتر به ساختار تک قومیت دارند. یکی از محصلین پشتون مدعی شد که یکی از این انجمن‌ها را به علت تک قومی بودن آن به جهت پشتونیزم یا پشتونگرایی، ترک گفته است.^{۶۴} به نظر میرسد انجمن‌های اینچنین بیشتر به شکل وسیله‌ی برای نایل آمدن به خواسته‌ها و

^{۶۵} مصاحبه با محصل هزاره در دانشگاه پولیتخنیک کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۶۰} مصاحبه با محصل هزاره در پوهنتون پولیتخنیک کابل، سنبله ۸۸؛ مصاحبه با محصل هزاره در دانشگاه کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۶۱} مصاحبه با نجیب‌الله پژمان، گرداننده مجمع تفاهم ملی جوانان افغانستان، کابل، عقرب ۱۳۸۸.

^{۶۲} در مصاحبه با محصل هزاره از پوهنتون پولیتخنیک کابل در ماه میزان معلوم گردید که اتحادیه محصلین غزنی، بطور مثال، مشخصاً مشتمل از محصلین مالستانی بود.

^{۶۳} مصاحبه با محصل انان تاجک از هرات، پوهنتون هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۱۳۸۸.

^{۶۴} مصاحبه با محصل پشتون از لغمان، پوهنتون هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان

۱۳۸۸.

^{۶۵} مصاحبه با محصل تاجک از کابل، دفتر انجمن فرهنگی، ولایت هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۶۶} مصاحبه با محصل تاجک از کابل، مرکز فرهنگی اتحاد، مزار شریف، سنبله ۱۳۸۸.

^{۶۷} مصاحبه با محصل تاجک از ولایت فراه، دفتر انجمن شیخ عبدالصمد نظری، هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۶۸} مصاحبه با نجیب‌الله پژمان، مجمع تفاهم ملی جوانان افغانستان، کابل، عقرب ۱۳۸۸.

^{۶۹} مصاحبه با محصل هزارت در پهنون پولیتخنیک کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۷۰} مصاحبه با محصل پشتون از هرات، دانشگاه هرات، دانشکده شرعیات، میزان ۱۳۸۸.

^{۷۱} مصاحبه با محصل تاجک از بغلان، دانشگاه کابل، سنبله ۱۳۸۸.

شورا های محصلین

قسمیکه در بخش اول یادآوری گردید، شورای اتحادیه محصلین در پوهنتون کابل محراق توجه فعالیت های سیاسی در چهارچوب پوهنتون در سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ بود. از سال ۱۳۸۰ به اینسو مباحث زیادی روی ایجاد دوباره ی شورا های محصلین در دانشگاه های متعدد کشور به میان آمده، اما در اواخر سال ۱۳۸۸ تنها در پوهنتون ننگرهار نهادی مشابه شورای محصلین با به عرصه وجود گذاشت. این موجودیت گویا بیانگر زمانی بود که نهادی اینچنین، قویاً با واژه های مذهبی نامگذاری میگردید. این نهاد "شورای مسجد" نام نهاد شد. شورای مسجد تمام محصلین را به عضویت میپذیرد و دارای رئیس، دو معاون، و شورای ۲۳ عضوی است که از طریق انتخابات کاملاً آزاد و اسلامی انتخاب گردیده اند. این نهاد مدعی است که مسایل فرهنگی و مذهبی را محور توجه قرار میدهد، زمینه بعضی درسهای اسلامی را برای محصلین فراهم میسازد، و هم بعضی اوقات در مسایل سیاسی نیز برای دفاع از محصلین دخالت میکند. در یک مورد گزارش شده که این انجمن برای رهایی محصل پوهنتون ننگرهار که در پکتیا بازداشت گردیده بود تبلیغات و سخنرانی نیز کرده است. مظاهره علیه بازداشت چند تن منسوب به حزب اسلامی در جلال آباد (قسمیکه قبلاً تذکر یافت) توسط شورای مسجد تنظیم گردیده بود که قدرت آنها را میتوان از دیدار آنها با والی ننگرهار و دخالت حامد کرزی در موضوع اندازه گرفت. قدرت و تاثیرگذاری شورای مسجد حتی فراتر از نفوذ و توانایی اتحادیه محصلین سالهای ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ گام برمیدارد. پژوهشگران ما قبل از مصاحبه با محصلین، باید از رئیس این شورا اجازه نامه اخذ مینمودند.^{۷۴}

بعضی اوقات کوشش میکنند تا جلب حمایت مالی حامیان بیرونی را نمایند، اما مصرف غیر شفاف این بودجه ها معمولاً آنها را با بی اعتباری مالی غیر قابل اعتماد میسازد. یکتعداد انجمن های کاملاً بی طرف و مستقل را نیز میتوان دریافت و این استقلال به سببی حفظ شده که آنها حق الزحمه های بیشتری را مطالبه مینمایند؛ انجمن ارشاد خطیبی به رهبری شیخ عبدالصمد نظری در هرات، که یک انجمن سیاسی، فرهنگی و علمی است و در اوایل سال ۱۳۸۸ تاسیس گردید، طالب حق الزحمه ی به مراتب بیشتر (۵۰۰ افغانی در ماه) از حد اوسط حق الزحمه میگردد.^{۷۵} شاید واضحترین مثال سیاسی سازی انجمن های محصلین، جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان باشد که حتی تعدادی آنرا منسوب به یکی از تنظیم های پیشرو حزب اسلامی میدانند. این انجمن توسط عاطف الرحمن باشنده ولایت تخار، تاسیس و بدون مشکل سرمایه گذاری گردیده است. جمعیت اصلاح روی موضوعات فرهنگی تمرکز داشته و دارای انستیتوت شخصی اما ثبت شده، تربیه معلم نیز است. جمعیت اصلاح با نیرو و ثبات کامل در دانشگاه ننگرهار، که تعدادی از استادان نیز آنرا حمایت میکنند حضور داشته و در پوهنتون کابل نیز احتمالاً بزرگترین انجمن است؛ و گزارش ها حاکیست که این انجمن در پوهنتون های شخصی نیز فعالیت دارد. بعضی از اعضای آن، طبیعت اسلامگرایی، حمایت از ایجاد یک دولت اسلامی در افغانستان، و منس مخالف آنرا تأیید نموده اند. این انجمن با داشتن صنوف بسیار منظم با مرور رایگان، محصلین زیادی را جلب مینماید.^{۷۶}

^{۷۴} مصاحبه با محصل تاجک از فراه، دفتر انجمن شیخ عبدالصمد نظری، هرات، میزان ۱۳۸۸.

^{۷۵} مصاحبه با حفیظ منصور، کابل، سنبله ۱۳۸۸؛ منبع ملل متحد، کابل، ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لغمان، پوهنتون ننگرهار، دانشکده شرعیات، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از ننگرهار، دانشگاه ننگرهار، دانشکده طبی، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لغمان، پوهنتون ننگرهار، دانشکده انجیری، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لوگر، پوهنتون ننگرهار، دانشکده ساینس، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از تره خیل کابل، پوهنتون کابل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از خوست، دانشگاه کابل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از وردک، دانشگاه کابل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی،

میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از کتر، پوهنتون ننگرهار، دانشکده شرعیات، قوس ۱۳۸۸.

^{۷۶} مصاحبه با محصل پشتون از ننگرهار، پوهنتون ننگرهار، دانشکده ادبیات، قوس ۱۳۸۸، مصاحبه با محصل پشتون از بغلان، دانشگاه ننگرهار، دانشکده زراعت، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لغمان، دانشگاه ننگرهار، دانشکده ژورنالیزم، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لوگر، دانشگاه ننگرهار، دانشکده حقوق، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لغمان، پوهنتون ننگرهار، دانشکده شرعیات، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از وردک، پوهنتون

۴. بعد از سال ۱۳۸۰: موج تمرد

گروه ها

ارتباطات این دسته ها با مقامات سیاسی عالی بیرون از پوهنتون، فضای کنترل مقامات علمی پوهنتون را بالای آنها و یا تنبیه اعضای این دسته ها بسیار محدود و تنگ میسازد. این دسته ها با ترساندن و تهدید استادان به اینکه به بعضی محصلین نمرات بهتر بدهند، حمایت محصلین را نیز جلب نمودند. بعضی از استادان به علت ارتباطات سیاسی این دسته ها، با آنها، به هر حال، موافقت مینمودند.^{۷۵} موجودیت اینگونه دسته ها در کابل و مزار شریف تأیید گردیده؛ و در این اواخر، آنها به گونه ی گسترده ی ارتباطات شانرا با جمعیت اسلامی تأمین نموده اند.^{۷۶}

شکل دیگر "تمرّد" فعالیت های پنهان و عقب صحنه سیاسی اند که ارتباط

^{۷۵} مصاحبه با استادان در پوهنتون تعلیم و تربیه کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۷۶} ارتباطات با محصلین و مقامات پوهنتون.

تمرّد میان محصلین پوهنتون بعد از سال ۱۳۸۰ خورشیدی در افغانستان بیانگر پیمایش دو مسیر اصلی بوده است: یکی آن تشکیل و ساختار دسته های جوانان به سیاست راه یافته است که هویت آنها مبهم و دوپهلوی بنظر میرسد. هرچند اصل تمرّد و شورش در ماهیت نسلی آنها به شکل طبیعی "علیه نظام تحصیلی دانشگاه" موجود است، اما آنها متمایل به برقراری ارتباطات با دسته های سیاسی نظامی که در موافقتنامه ۱۳۸۰ بُن متحد شدند، نیز بودند. این دسته ها در دانشکده های متعدد کنترل خودشانرا بالای محصلین حاصل نموده و حد اقل در یک مورد، آنها با اخراج رئیس دانشگاه (از پوهنتون تعلیم و تربیه کابل) قدرت شانرا به نمایش گذاشتند.

ننگرهار، دانشکده انجیری، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از جلال آباد، پوهنتون ننگرهار، دانشکده حقوق؛ معلومات در ارتباط محرمانه پژوهشگران ما با محصلین جمعآوری شده اند.

متهم به سمت گیری به طرفداری از حزب افغان ملت گردیده است.^{۸۰}

با وجود غلبه طالبان در روال مداوم شورشگری، گروه متمرّد و شورشگر حزب اسلامی نیز، هنوز میان محصلین قوی بوده و با حضور فعالین خود، حضور خودش را در پوهنتونها حفظ کرده است. فعالیت های شورشگری و ترمذ جوانانه ی آنها بیشتر در ننگرهار با راه اندازی تظاهرات ضد آمریکایی در بعضی مواقع پدیدار میگردد، اما آنها در کابل و با وسعت بسیار محدود در هرات نیز فعالیت دارند. هرچند، یکبار، یکتعداد افراد آنها در سال ۱۳۸۸ توسط کارمندان ریاست امنیت ملی در هرات بازداشت شدند و یکی آنها متهم به داشتن مواد انفجاری نزد خودش نیز گردیده بود. بر اساس مصاحبه های انجام یافته، محصلینی که بطور مخفی شامل فعالیت های حزب اسلامی اند بیشتر آنانی اند که خانواده های شان هنوز هم در کمپ های مهاجرین، مخصوصاً کمپ بدنام شمشتو، در پاکستان زنده گی دارند. شواهدی بدست آمده از اینکه حزب اسلامی در جلال آباد اعضای خانواده های را نیز جلب میکند که پیشینه ی عضویت در این حزب را نداشته اند. قدرت حضور حزب اسلامی در جلال آباد تا حدی است که بعضی اوقات اعضای وابسته به شاخه گلبدین حکمتیار نیز فکر میکنند ضرورت ندارند ارتباط خودشان با آن شاخه را پنهان نگهدارند. هرچند متناقضاً، آنها گرایش به برهم زدن وضعیت صلح میان مردم را رد و تکذیب میکنند. بسیاری از استادان نیز به این حزب وابسته اند. شاخه متمرّد حزب اسلامی صفوف جلوی مثل جمعیت اصلاح (که قبلاً در مورد آن صحبت شد) و انجمن عهد که عقاید اسلامگرایی خود را پنهان نکرده و بر ضد روش جلب و جذب بسیاری از انجمن ها بر اساس خصوصیت های قومی و ولایتی عمل میکند، را برای محافظت از فعالیت های خودش مورد استفاده قرار میدهد؛ ما از حضور این شاخه در هرات و جلال آباد که بیشتر در لیلیه ها موجود بوده و بعضی اوقات تظاهراتی را به نفع بهبود وضعیت بود و باش محصلین برآه می اندازد، اطمینان حاصل کردیم. این شاخه خبرنامه نیز نشر میکند.^{۸۱}

گروه سومی که در این اواخر در افغانستان ایجاد گردیده است حزب تحریر نام دارد که اساساً در فلسطین ایجاد شده و بعداً به کشورهای متعدد اسلامی توسعه یافته است. به نظر میرسد این حزب تنها غیر پشتون ها را جذب مینماید و از پاکستان به افغانستان آمده است؛ هرچند یکی از سه عضو این گروه را که با وی مصاحبه کردیم از قوم پشتون و باشندد ولایت پکتیا بود. حضور این حزب عمدتاً در کابل، اما در هرات نیز، مخصوصاً در

^{۸۰} مصاحبه با محصل تاجک از کاپیسا، رئیس انجمن جوانان عهد، هرات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل هزاره از غزنی، پوهنتون هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۸۸؛ مصاحبه با حفیظ منصور، کابل، سنبله ۸۸؛ منابع ملل متحد، کابل، ۱۳۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لوگر، پوهنتون ننگرهار، دانشکده حقوق، عقرب ۱۳۸۸.

^{۸۱} مصاحبه با مقامات انستیتوت دموکراتیک ملی، هرات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از هرات، دانشگاه هرات، میزان ۸۸؛ منابع ملل متحد، کابل، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از پکتیا، پوهنتون ننگرهار، دانشکده طبی، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لوگر، پوهنتون هرات، دانشکده ساینس، عقرب ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از قندهار، پوهنتون ننگرهار، دانشکده کمپیوتر ساینس، عقرب ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لغمان، پوهنتون ننگرهار، دانشکده شرعیات، قوس ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لوگر، پوهنتون ننگرهار، دانشکده حقوق؛ مصاحبه با محصل پشتون از هرات، پوهنتون هرات، دانشکده شرعیات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل تاجک از کاپیسا، رئیس انجمن جوانان عهد، هرات، میزان ۱۳۸۸.

مستقیم با عضویت گروه های افراطی و ضد دولتی دارد. هرچند گفته شده حد اقل گروه چپ گرا انجمن انقلابی زنان افغانستان (راوا) در پوهنتون هرات فعال است^{۷۷}؛ اما گروه های اسلامی و بنیادگرا عقب صحنه سیاسی را در تسخیر و کنترل خود دارند. اینگونه فعالیت ها در هرات و مزار شریف ناچیز و یا در حاشیه بنظر میرسند، اما فعالیت های پشت پرده وجود دارند. دانشکده شرعیات پوهنتون هرات، مخصوصاً، با حضور چشمگیر حزب اسلامی به گونه ی نسبی وضعیت نزاع طلبی و جنگجویانه ی را به خود گرفته است.^{۷۸} قانونمندی و روا یا نا روا بودن حملات انتحاری آشکارا در صنف ها مورد بحث قرار میگردد.^{۷۹} این تصویر در کابل و جلال آباد، جائیکه بخش عمده ی از گروه محصلین بسوی افراطیگری گام برمیدارند، بطور قابل ملاحظه ی متفاوت است.

یکتعداد از گروه های که محصلین را در پوهنتون ها جذب مینمایند تازه کار نیستند و موفق خوبی برای انجام فعالیت های خرابکارانه دارند.

عملاً، میان اعضای مختلف تنظیم های جهادی فرق چندان قابل ملاحظه ی موجود نیست. در حقیقت، حامیان گروه های مختلف نسبت به بعضی گروه های غیر خودشان نیز همفکری داشته و در اصول با آنها اظهار موافقت مینمایند. طالبان، گروه برتر شورشی در افغانستان، نیز در دانشکده ها فعال است اما با محدودیت های نسبی. موجودیت این گروه از سال ۱۳۸۵ بدینسو میان محصلین دانشگاه ها پدیدار شده و با هدفگیری محصلین پشتون و معمولاً از خانواده های سنتی و مذهبی از ولایات افغانستان به فعالیت پرداخته است. حوزه انتخابه این گروه هیچگاهی طبقه تحصیلیافته نبوده است. موجودیت آنها در هرات، مخصوصاً در دانشکده شرعیات، و حقوق و علوم سیاسی بسیار محدود است. گروه طالبان موجودیت دفتری در دانشکده ها نداشته و تنها واعظین و حامیان آنها به گونه ی انفرادی با تبلیغ و توزیع مواد تبلیغاتی فعالیت دارند. در مقابل، این گروه در جلال آباد بیشتر منظم و با حضور قویتری بنظر میرسد. بر اساس منابع ملل متحد، جایگاه تاثیر گذاری این گروه در پوهنتون ننگرهار بعد از حزب اسلامی در ردیف دوم قرار دارد. بر اساس گزارش ها، بیشتر فعالین طالبان را باشندد گان ولایات وردک، لوگر، و مناطق جنوبی افغانستان تشکیل میدهد. محصلین متعددی شاهد حضور فعالیت های حد اقل طالبان در این دانشگاه بوده اند. قدرت و ثبات احزاب و گروه های اسلامگرا و بنیادگرا در جلال آباد، بر اساس یکی از منابع در این مطالعه، در مقابل روش سیکولاری سلطه جوانانه رئیس پوهنتون که بسیاری از محصلین بعضی از نظریات وی را خلاف قوانین اسلامی میدانند، شکل میگیرد. وی کوشش کرده است تا در دانشکده شرعیات که یک محل قویاً اسلامی محسوب میگردد، دختر و پسر در یک صنف درس بخوانند. رئیس دانشگاه در امور انتصاب و به کار گماری اش نیز

^{۷۷} مصاحبه با محصل هزاره از غزنی، دانشگاه هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۱۳۸۸.

^{۷۸} این حزب رسماً به دو گروه تقسیم شده است، یکی قانونی مستقر در کابل، و دیگری هنوز هم توسط گلبدین حکمتیار رهبری میشود و در ترمذ فعال است.

^{۷۹} مصاحبه با انستیتوت دموکراتیک ملی، هرات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از دانشگاه هرات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از لغمان، پوهنتون هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۱۳۸۸.

قبل بعضی‌ها، مخصوصاً در دانشکده ادبیات، نوشته‌ای مارکسیستی را مطالعه میکردند اما بعداً استادان و رهبری دانشکده تلاش کردند محصلین را از این امر باز دارند. میگویند نوشته‌های ماویستی نیز میان هزاره‌ها به گونه‌ی غیر دوامدار منتشر میشده است.^{۸۵}

دانشکده‌های شرعیات گزارش شده است. این حزب در این مرحله به اعمال خشونت آمیز دست نیازیده و تنها فعالیت آنرا پخش و نشر شبنامه‌ها تشکیل میدهد. حد اقل یکی از اعضای آن در لیلیه پوهنتون کابل بازداشت گردیده است. یکتعداد از استادان پوهنتون کابل نیز از جمله اعضای این گروه گزارش شده‌اند. هدف حزب تحریر جلب و جذب محصلین بسیار مذهبی در تمام دانشکده‌ها است؛ روند جذب آنها بر اساس ارزیابی دانش دینی و مذهبی انجام مییابد.^{۸۲} حزب چهارم افراطی که ما موفق به تثبیت حضور آن در دانشگاه‌ها شدیم، ببرهای هندوکش نامیده میشود که مخالفت آنها عمدتاً ریتوریکال یا تنها در بیان "نه در عمل" است. این گروه کوچکی از فعالین (با حدود چهار یا پنج عضو اصلی) منسوب به مناطق شمال شرقی بوده و باوجودیکه رسماً به شکل حزب سیاسی و یا انجمن ثبت نیست، مصروف فعالیت‌های فرهنگی و نشراتی بوده و فعالیت‌های بسیار جدی ندارد. به نظر میرسد این گروه جهت تاثیر گذاری و ایجاد انگیزه عالی به منابعی بسیار برگزیده و نخبه، که به حد کارل مارکس و سید قطب باشند، اتکاء میکند؛ و هم در مسایل قومی و نژادی به افکار طاهر بدخشی باز میگردد. این گروه بر ضد کرزی و "اشغال آمریکایی‌ها" است. ساختار این گروه مطلقاً به تقلید از ببرهای تمیل طرح ریزی گردیده اما هنوز تنها در مورد جلب و جذب نیرو صحبت کرده است. اعضای آن از خانواده‌های مرتبط با جمعیت اسلامی پیشین اند که هنوز هم اسلام را به حیث یک عطف و یک مرجع میدانند اما از رهبران سیاسی این حزب دلگیر و روگردان شده و اعتماد خود نسبت به آنها را از دست داده‌اند.^{۸۳}

منابع تاثیر گذاری و انگیزش

علاقمندی بیشتر به افراطیگرایی به نظر میرسد از کتابها و نوشته‌های منشأ گرفته باشد که محصلین در کتابخانه‌های شهرهای افغانستان به آنها مراجعه میکنند. هرگونه متن افراطیگرا با موضوع ضد آمریکایی و ترجمه شده به فارسی مشهور بنظر میرسد. ترجمه‌ها معمولاً به فارسی ایرانی اند و محدود به زبان پشتو دستیاب اند. چهگوارا، فیدل کاسترو، علی شریعتی و سید قطب از مشهورترین‌های اند که مولانا مودودی و یکتعداد مؤلفین ایرانی دیگر از اوایل سالهای انقلاب از آنها پیروی میکنند. تصاویر فیدل کاسترو و چهگوارا اکثراً در لیلیه‌های دانشگاه‌ها به نمایش گذاشته میشود. اهل تسنن نیز کتابهای ایرانی مطالعه میکنند، هرچند در سال ۱۳۸۶ در نمایشگاه کتاب هرات، بر ضد متون ایرانی عکس‌العملی رونما گردیده بود.^{۸۴}

هرچند ملاها خلاف شریعتی هستند، اما محصلین هزاره بیشتر کتابهای علی شریعتی، مرتضی مطهری و کریم سروش را مطالعه میکنند. چند سال

^{۸۲} مصاحبه با حفیظ منصور، کابل، سنبله ۸۸؛ مصاحبه با محصل هزاره از غزنی، پوهنتون هرات، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل تاجک از لوگر، پوهنتون کابل، دانشکده حقوق، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از خوست، پوهنتون کابل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل پشتون از پکتیا، پوهنتون کابل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، میزان ۸۸؛ مصاحبه با محصل تاجک از بغلان، دانشگاه کابل، دانشکده ساینس، میزان ۱۳۸۸.

^{۸۳} مصاحبه با فعال حزب آزاده گان، کابل، میزان ۱۳۸۸.

^{۸۴} مصاحبه با انستیتوت ملی دموکراتیک، هرات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با فعال اسلامگرایی دهه ۶۰

خورشیدی، هرات، میزان ۸۸؛ مصاحبه با حفیظ منصور، کابل، سنبله ۱۳۸۸.

^{۸۵} مصاحبه با محصل هزاره در پوهنتون کابل، عقرب ۱۳۸۸.

۵. نتیجه گیری و چگونگی کاربرد

محصلین به حیث تسهیل کننده گان فعالیت های شورشگری میتوانند منجر به سختگیری تادیبی و تنبیهی در آینده گردند.

تصویر کلی بدست آمده نشان میدهد هنوز هم اکثریت در کشور حامی "نظام" در افغانستان است، اما این حمایت مرامی و با اشتیاق نبوده و بیشتر مبتنی بر منفعت ها، ضروریات و توقعات فردی در جامعه مثل تحصیل علم، امرار معیشت و غیره میگردد؛ و اقلیت قوی مخالف نیز از مزایای این نظام، مثل آزادی بیان و احزاب سیاسی، به نفع خودش استفاده میکند. در بیشتر ممالک محصلین متمرد در دوران تحصیل بعد از فراغت شان از پوهنتون دوباره در نظام جذب شده و حینیکه مشغول وظیفه و شکل دهی خانواده میشوند به گونه یی از تمرد و شورشیگری دوران تحصیل فاصله میگیرند، اما در افغانستان به علت میزان بالای بیکاری میان جوانان، این تصور تا حدی بعید پنداشته میشود.

در اخیر، وضعیت بحرانی و نا مساعد سیاسی محصلین یا سیاست دانشجویی افغانستان بازتاب دهنده سیاست کشور است اگر سیاست کشور در کل رهبری خط مش سیاسی را به گونه یی شاید و باید آن به عهده نگیرد، مسیر سیاست دانشجویی در افغانستان چگونه میتواند مسیر ثبات و درستی خودش را بییماید؟

مرکب قیمومیت و تمرد در سیاست دانشجویی افغانستان موضوعی است که معمولاً در بیشتر کشور های در حال توسعه دیده میشود. به همینگونه، انحطاط چپی ها و رشد اسلامگرایان و بنیادگرایان نیز در بیشتر کشور های اسلامی که موجودیت مفرط گروه های آزادیخواه و روشنفکر را تجربه میکند، به نظر رسیده است. بیشتر دانشمندان جامعه شناسی، قیمومیت را از یک بُعد منفی به شکل وسیله ی تاثیر گذاری سیاسی مینگرند. هرچند، این نقش بی سابقه قیمومیت را میتوان از پهلوی دیگری نگریسته و مثبت تعریف کرد به این معنی که حداقل بخشی از جامعه افغانی بی به ضرورت و سودمندی اعتماد خودی و ثابت قدمی جوانان تحصیلیافته افغان برده است. چند پارچه گی رو به افزایش طبقه تحصیل یافته که در دهه ۴۰ خورشیدی آغاز و اکنون فراگیر شده نیز با تعابیر گوناگونی مواجه است. هرچند این افزایش برای ثبات و بقای نظام سیاسی موثر نیست، اما گروه های مبتنی بر اصل قومیت و ستمگرایی در بعضی موارد حد اقل چاره ی دیگر، و یا بهتر بگوئیم جایگزینی برای تنظیم های افراطی محسوب شده میتوانند بسیج سازی سیاسی باید مبتنی بر برخی قواعد مرامی باشد و انسجام و همبستگی قومی و یا نژادی را نمیتوان لزوماً از روی عناد، بدخواهی و یا بداندیشی دانست.

با در نظر داشت بسط قابل ملاحظه دسته های محصلین، تعداد محصلینی که فعالانه شامل فعالیت های شورشگری و یا تمرد اند، بعد از سال ۱۳۸۰ خورشیدی به گونه یی قابل مقایسه ی پائین و کم است؛ هرچند به نظر میرسد این تعداد به تدریج بیشتر میشود. با اینحال، اگر مشخصاً روی محصلین پشتون تمرکز نمائیم، مبینیم که حمایت آنها از گروه های مسلح مخالف گسترده و قابل ملاحظه است. پوهنتون ننگرهار به حیث یگانه دانشگاهی در این مطالعه که غالباً محصلین پشتون در آن درس میخوانند یکی از این موارد است، اما عین روند را تا حدی میتوان میان محصلین پشتون که شامل پوهنتون های کابل و هرات میشوند، نیز یافت. نخستین علامات افراطیگرایی میان محصلین غیر پشتون نیز پدیدار شده و قصد رشد دارد که نفع آن بیشتر به حزب تحریر میرسد؛ کاربرد این خطر را نمیتوان نادیده گرفت: محصلین افراطی میتوانند از گروه های شورشی و متمرد حمایت نموده و با نیرو و امکانات خود، آنها را تغذیه نمایند. نظام انتخاباتی که موقع خوبی برای اظهار عدم رضایت و نا درستی تمثال بدست داد، ممکن باعث از میان برداری یکمقدار نا امیدی ها و محرومیت ها گردد؛ هرچند بی اعتمادی و بدنامی نظام انتخاباتی افغانستان در سال ۱۳۸۸ به ژرفای خود رسید.

تنها تعداد نسبی بسیار اندک افغان های تحصیل یافته و تازه فارغ از پوهنتون ها در جریانات شورشگری ها و تمرد شامل بوده اند، لزوماً نه به خاطر عدم موافقت و یا همفکری با چنین گروه ها، بل به خاطر نیاز به جانبازی و فدا کاری که این انتخاب از آنها توقع داشته است. عکس العمل نه چندان جدی روی سرکوبی باور های محصلین و عقاید متمرد آنها نیز ممکن سبب شده تا آنها جسورانه در این مورد وارد عمل نشوند. از اینرو، به گونه یی احتیاط، باید بر این امر واقف بود که مشارکت رو به افزایش

ضمیمه: مختصر در مورد گروه های که در این نشریه تذکار یافته اند

افغان ملت:	حزب ناسیونالیست یا ملی گرای است که خودش را حزب سوسیال دموکرات نیز میخواند.
افغانستان نوین:	یکی از گروه های جدا شده از بدنه شورای نظار.
انجمن عهد:	تنظیم محصلین با گرایش های اسلامی.
انجمن دانشجویان افغانستان:	گروهی به رهبری نجیب الله پژمان است که در سال ۱۳۸۱ تشکیل یافت.
انجمن انقلاب زنان افغانستان (راوا):	گروه زنان ماویست که از دیرباز عمدتاً در دهه ۶۰ میان افغانهای مهاجر در پاکستان و بعد از ۱۳۸۰ در داخل افغانستان فعالیت داشته است.
انجمن رضا کاران:	به رهبری اصغر اشراق، به سازمان جوانان اقتدار ملی مراجعه کنید.
بیرهای هندوکش:	گروه التقاطی فعالین با مرکب مفکوره های چپی، اسلامگرا، و ناسیونالیست قومی.
دعوت اسلامی:	قبلاً به نام اتحاد اسلامی، رهبر آن، عبدالرب رسول سیاف، جمعیت اسلامی به رهبری پروفیسر ربانی را در دهه ۵۰ ترک گفته و گروه خودش را تشکیل داد.
د سولی غورخنگ:	یکی از گروه های ما بعد خلق به رهبری شهناز تنی.
د سولی کاروان:	حزب مستقر در ننگرهار به رهبری حاجی عبدالظاهر قدیر، پسر مرحوم عبدالقدیر و پسر پُر قدرت ترین خانواده ننگرهار، خانواده ارسلا.
حرکت اسلامی:	گروه اسلامی شعیه مذهب که در دهه ۵۰ شکل گرفته و بعد از سال ۸۰ خورشیدی به فرقه های متعدد تقسیم شد.
حزب آزاده گان:	به سازمان انقلابی زحمت کشان افغانستان مراجعه کنید.
حزب آزادیخواهان:	حزب آزادیخواهی که بعد از سال ۸۰ خورشیدی پدیدار شد.
حزب دموکراتیک خلق:	در سال ۱۳۴۴ با الحاق چندین گروه چپی به میان آمد، نیرو های اتحاد جماهیر شوری را برای مدتی به کشور آورد، و بعداً انشعابات به میان آمده در آنها تاثیرگذار شد. مهم ترین آنها دو شاخه خلق و پرچم بودند.
حزب اسلامی:	یکی از احزاب عمده ی که جوانان مسلمان به آن تقسیم شد و این حزب یکی از احزاب عمده اسلامی در افغانستان گردید.
حزب جمهوری خواهان:	گروه سیکولار که در سالهای ۱۳۷۰ شکل گرفت.
حزب متحد ملی:	یکی از انشعابات پرچم به رهبری جنرال نورالحق علومی.
حزب وحدت اسلامی:	در سال ۱۳۶۷ با الحاق چندین گروه هزاره شکل گرفت که بیشتر با گرایش کمونیستی بود، و زود به فرقه های رقیب تقسیم شد و این چند پارچه گی تا بعد از سال ۸۰ خورشیدی ادامه یافت.
حزب تحریر:	گروه اسلامی که برای ایجاد دوباره خلافت مبارزه میکنند. این گروه در فلسطین به میان آمد اما به کشور های بیشتر مسلمان وسعت یافت.
انسجام ملی:	گروهی متشکل از کادر های جدا شده حرکت اسلامی و دیگر گروه های اسلامی هزاره است.
اقتدار ملی:	یکی از گروه های منشعب از حرکت اسلامی.
اتحاد اسلامی:	به دعوت اسلامی مراجعه کنید.
جبهه روشنفکران افغانستان:	گروهی که توسط سید منصور نادری رهبر اسماعیلی ها شکل گرفته است.
جمعیت اصلاح و انکشاف اجتماعی افغانستان:	تنظیم سیاسی شده محصلین که در این اواخر توسط عاطف الرحمن (از ولایت تخار) به میان آمده.
جمعیت اسلامی:	یکی از احزاب عمده ی که جوانان مسلمان به آن تقسیم شد و این حزب یکی از احزاب عمده اسلامی در افغانستان گردید.
انجمن جوانان مصلح:	انجمن جوانان که مدعی حدود ۳۵۰ عضو در پوهنتون هرات است.

جوانان مسلمان:	نمای افغان اخوت مسلمان مصر، قبل از اینکه به فرقه های رقیب انشعاب نماید، تنظیم عمده اسلامی در افغانستان بود.
جنبش جوانان:	جنبش جوانان مرتبط به جنبش ملی اسلامی.
جنبش ملی اسلامی:	تنظیم ازبک که در سال ۱۳۷۱ توسط جنرال عبدالرشید دوستم شکل گرفت.
کنگره ملی:	گروه ناسیونالیست قومی به رهبری لطیف پدرام.
خلق:	به حزب دموکراتیک خلق مراجعه کنید.
کلوپ ملی:	حزبی که توسط صدر اعظم محمد داود خان در سال ۱۳۳۰ به حیث وسیله ی برای اهداف مدرنیته سازی وی ایجاد شد.
شورای مسجد:	شورای تنظیم گونه ی تاثیرگذار محصلین در دانشگاه ننگرهار.
میلاذ نور:	انجمنی در کابل که با شیخ محسنی و حرکت اسلامی مرتبط است.
نهضت مدنی افغانستان (نما):	گروهی که توسط هزاره ها در این اواخر تشکیل یافته است.
نهضت ملی:	یکی از انشعابات شورای نظار.
پرچم:	به حزب دموکراتیک خلق مراجعه کنید.
سازمان دموکراتیک زنان:	گروه زنان فعال چپی که در دهه ۴۰ شکل گرفته و مرتبط به حزب دموکراتیک خلق است.
	سازمان انقلاب مردم افغانستان: گروهی از اتحاد ماویست و ناسیونالیست که در دهه ۵۰ شکل گرفت.
	سازمان انقلابی زحمتکشان افغانستان: گروه چپی مخالف برتری پشتون ها در افغانستان که گروه های دیگر مشابه آن نیز مثل حزب آزاده گان ظهور نموده اند.
سازمان جوانان اقتدار ملی:	اصلاً بنام انجمن رضا کاران افغانستان که توسط اقتدار ملی، حزب مصطفی کاظمی، به شکل حزب آزاده گان ظهور نموده اند.
سازمان جوانان مترقی:	اولین تنظیم ماویست که در افغانستان توسط حلقات غیر رسمی به میان آمد و بعداً به گروه های متعدد رقیب تقسیم شد.
صدای ارمنان:	گروه میانه روی که در دهه ۱۳۴۰ توسط ذبیح الله عصمتی شکل گرفت.
شورای متحد ملی:	گروهی که توسط روشنفکر شورای نظار سابق، حفیظ منصور رهبری شده و مسایل
شورای نظار:	یکی از فرقه های داخلی جمعیت اسلامی که توسط احمد شاه مسعود رهبری میشد.
ویش خلمیان:	اولین نهضت سیاسی آزادیخواه اصلاح طلب که در افغانستان در دهه ۲۰ ظهور کرد.

این مطالعه توسط بنیاد آسیایی (TAF) با حمایت اداره انکشافی ایالات متحده آمریکا (USAID) تمویل گردیده است. اداره همکاری برای صلح و اتحاد (CPAU) برای انجام این تحقیق مساعدت تخنیکی نموده است.

انتشارات اخیر از واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

جوزا ۱۳۸۹ (می ۲۰۱۰) همه گل ها کجا شده اند؟ ارزیابی پایداری کاهش کشت تریاک در افغانستان، دیوید منسفیلد

ثور ۱۳۸۹ (اپریل ۲۰۱۰) از روی شواهد: حکومتداری، عدالت و توسعه (سلسله پالیسی نامه ها برای کنفرانس کابل)

ثور ۱۳۸۹ (اپریل ۲۰۱۰) کاهش کشت و زرع تریاک، علل و تاثیرگذاری، جی لیمی

ثور ۱۳۸۹ (اپریل ۲۰۱۰) بازتاب ها در مورد اعلامیه پاریس و موثریت کمک ها در افغانستان (پالیسی نامه) ریکا رابرتس

ثور ۱۳۸۹ (اپریل ۲۰۱۰) وضعیت عدالت انتقالی در افغانستان (سلسله پالیسی نامه) ایمیلی و نترتیم

ثور ۱۳۸۹ (اپریل ۲۰۱۰) بهبودی تلاش ها برای رشد منصفانه و کاهش فقر، پالا کانتور

ثور ۱۳۸۹ (اپریل ۲۰۱۰) خط سیر معیشت افغانستان: شواهد از کندهار، ادم پین

ثور ۱۳۸۹ (اپریل ۲۰۱۰) وضعیت عدالت انتقالی در افغانستان، فعالین، رویکرد ها و چالش ها، نوشته ایمیلی و نترتیم

حمل ۱۳۸۹ (مارچ ۲۰۱۰) خط سیر معیشت افغانستان: شواهد از بدخشان، ادم پین

حمل ۱۳۸۹ (مارچ ۲۰۱۰) از الف تا یا کتاب راهنما برای کمک به افغانستان نسخه هشتم

دلو ۱۳۸۸ (فبروری ۲۰۱۰) قیومیت و تمرد: قیومیت و تمرد فعالیت سیاسی دانشجویان در افغانستان

دلو ۱۳۸۸ (فبروری ۲۰۱۰) خبرنامه تحقیقاتی افغانستان شماره ۲۴

جدی ۱۳۸۸ (جنوری ۲۰۱۰) ایجاد سکتور قابل اعتماد قرضه کوچک در افغانستان نوشته پالا کانتور و ایرنا اندرسن

قوس ۱۳۸۸ (دسمبر ۲۰۰۹) سیستم کلی عدالت برای افغانستان توسط دیبرا اسمیت و جی لیمی

قوس ۱۳۸۸ (دسمبر ۲۰۰۹) روند حل منازعات اجتماعی در ولایت ننگرهار، دیبرا اسمیت

قوس ۱۳۸۸ (دسمبر ۲۰۰۹) روند حل منازعات اجتماعی در ولایت بامیان، دیبرا اسمیت و شیلی منلن

عقرب ۱۳۸۸ (نومبر ۲۰۰۹) از بین رفتن مشروعیت- دیدگاه های افغان ها در مورد حکومت، اجتماع بین المللی و انتخابات ۱۳۸۸، نوح کابرن

در مورد واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان موسسه مستقل تحقیقاتی مستقر در شهر کابل است که هدف آن انجام و عرضه تحقیقات با کیفیت در عرصه های مختلف جهت اطلاع رسانی و استفاده از آنها در تاثیر گذاری روی پالیسی ها و فعالیت های گوناگون میباشد. واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان با تقویت و ارتقا ظرفیت های تحلیلی و ایجاد فرصت برای تفکر و بحث، میکوشد تا فعالانه فرهنگ پژوهش و آموزش را در این کشور ترویج دهد. این اداره سعی مینماید تا زمینه های بازتاب اندیشه ها، مناظره ها و مباحث علمی را فراهم سازد که باعث بهبود و پیشرفت فکری در ابعاد مختلف در زندگی افغانها میگردد.

واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان در سال ۱۳۸۱ خورشیدی با همکاری سازمان های امدادی که در این کشور فعالیت دارند تأسیس گردیده و اعضای هیئت مدیره آنرا نماینده گان مراجع تمویل کننده، سازمان ملل متحد، ادارات غیر دولتی و دیگر نهاد های که در امور مختلف در افغانستان مصروف فعالیت اند، تشکیل میدهد. این اداره، در حال حاضر، عمدتاً از جانب کشور های فنلند، ناروی، سویدن، سویس، و انگلستان تمویل مالی گردیده و موسساتی مثل انستیتوت جامعه باز افغانستان (FOSIA)، بنیاد آسیایی (TAF)، کمیسیون اروپا (EC)، کمشنری عالی ملل متحد برای پناهندگان (UNHCR)، صندوق وجهی ملل متحد برای کودکان (UNICEF)، صندوق انکشافی ملل متحد برای زنان (UNIFEM)، و بانک جهانی نیز بعضی از پروژه های مشخص این اداره را حمایت مالی می نمایند.